

مالیات بر مجموع درآمد (۵): هزینه‌های قابل قبول و بخشودگی‌ها



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شماره مسلسل: ۱۹۸۴۶
کد موضوعی: ۲۳۰



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

عنوان گزارش:

مالیات بر مجموع درآمد (۵):
هزینه‌های قابل قبول و بخشودگی‌ها

نوع گزارش: تقنینی، نظارتی، راهبردی

نام دفتر:

مطالعات بخش عمومی (گروه سیاست‌های مالیاتی)

تهیه و تدوین کننده:

حمیدرضا بهرمن

همکار:

مهدی سرمست شوشتری

ناظران علمی:

سیدعباس پرهیزکاری، هادی ترابی‌فر

ناظر علمی خارج از مرکز:

محمدجواد شریف‌زاده (هیأت علمی دانشگاه امام صادق (ع))

اظهار نظر کنندگان:

احمدرضا احسانیان مفرد، محمدتقی نظریان مفید

گرافیک و صفحه آرایی:

مهدیه قمچیلی

ویراستار ادبی:

سیده مرضیه موسوی راد

واژه‌های کلیدی:

۱. هزینه‌های قابل قبول

۲. معافیت مالیاتی

۳. بخشودگی

۴. کسورات مالیاتی

تاریخ شروع:

۱۴۰۲/۳/۱



فهرست مطالب

۶	چکیده
۷	خلاصه مدیریتی
۹	۱. مقدمه
۱۰	۲. تعاریف
۱۱	۳. منطق در نظر گرفتن هزینه‌های قابل قبول و بخشودگی‌ها
۱۲	۳-۱. هزینه‌های زندگی و برابری عمودی
۱۳	۳-۲. تولید کالاها، عمومی و اثرات خارجی مثبت
۱۴	۳-۳. ارتقای برابری افقی
۱۴	۴. هزینه‌های قابل قبول و بخشودگی‌ها در سایر کشورها
۱۵	۴-۱. آمریکا
۱۹	۴-۲. استرالیا
۲۰	۴-۳. فنلاند
۲۰	۴-۴. کره جنوبی
۲۱	۴-۵. فرانسه
۲۲	۴-۶. ژاپن
۲۲	۴-۷. نروژ
۲۳	۴-۸. چین
۲۳	۴-۹. آلمان
۲۴	۵. هزینه‌های مرتبط با کسب و کار در نظام مالیات بر مجموع درآمدهای اشخاص حقیقی
۲۴	۵-۱. رفت و آمد به محل کار
۲۵	۵-۲. لباس‌های کاری
۲۵	۵-۳. هزینه‌های نگهداری از کودکان
۲۵	۵-۴. سفرهای کاری
۲۶	۶. وضعیت کنونی معافیت‌ها، هزینه‌های قابل قبول و بخشودگی‌ها در ایران
۲۷	۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۲۹	منابع و مآخذ

فهرست جداول

۱۱	جدول ۱. نمونه فرضی شیوه کسر بخشودگی، هزینه‌های قابل قبول و اعتبار مالیاتی
۱۹	جدول ۲. نرخ‌های حداقل مالیات جایگزین (AMT)

فهرست شکل

۱۵	شکل ۱. اهمیت هزینه‌های قابل قبول در کشورهای مورد مطالعه
----	---------------------------------------------------------



مالیات بر مجموع درآمد (۵): هزینه‌های قابل قبول و بخشودگی‌ها

چکیده



نحوه تعیین هزینه‌های قابل قبول و بخشودگی و میزان آنها یکی از محورهای مهم در طراحی مالیات بر مجموع درآمد است. در این گزارش در خصوص چیستی، چرایی و چگونگی هزینه‌های قابل قبول و بخشودگی و انواع آنها مطابق مبانی نظری و تجارب جهانی بحث شده است. مطابق یافته‌های پژوهش هزینه‌های قابل قبول و بخشودگی آن، نوعی تخفیف مالیاتی هستند که با اهدافی همچون عدم فشار مالیاتی به فقرا، برابری بیشتر در جامعه و تشویق به برخی امور خاص (پرداخت‌های خیریه) در نظر گرفته می‌شود. ضروری است مطابق مبانی نظری و تجارب جهانی قانون مالیات‌های مستقیم به‌نحوی اصلاح شود که ضمن وضع مالیات بر مجموع درآمد از طریق تلفیق پایه‌های مالیاتی جداگانه، بخشودگی و هزینه‌های قابل قبول مرتبط با زندگی فرد یا خانوار در نظر گرفته شود.



بیان / شرح مسئله

یکی از موضوعات مهم در طراحی نظام مالیات بر مجموع درآمد اشخاص حقیقی موضوع تعیین هزینه‌های قابل قبول و بخشودگی هاست. در این زمینه سؤالاتی اساسی مطرح است که بدون پاسخ دادن به آنها نمی‌توان نظام مالیاتی مطلوب و عادلانه را طراحی کرد. ابتدا لازم است مشخص شود بخشودگی پایه چیست و مطابق با چه استدلالی وجود آن ضروری قلمداد می‌شود؟ آیا بخشودگی پایه به تناسب بُعد خانوار (تعداد اعضای خانواده) تعیین می‌شود یا برای همه خانوارها یکسان خواهد بود؟ چه هزینه‌هایی به‌عنوان هزینه قابل قبول تلقی و از درآمد مشمول مالیات مؤدی کسر می‌شود؟ مزایا و معایب در نظر گرفتن هریک از هزینه‌های قابل قبول چیست؟ نسبت هزینه‌های قابل قبول در مقایسه با اعتبار مالیاتی چیست؟ بخشودگی‌ها و هزینه‌های قابل قبول در قوانین سایر کشورها چگونه است؟ هزینه‌های قابل قبول و بخشودگی‌ها در قوانین مالیاتی کنونی کشورمان چگونه است؟

نقطه نظرات / یافته‌های کلیدی

مطابق مبانی نظری دانش اقتصاد و تجارب جهانی، هزینه‌های قابل و بخشودگی نوعی تخفیف مالیاتی هستند که با اهدافی همچون عدم فشار مالیاتی به فقرا، برابری بیشتر در جامعه و تشویق به برخی امور خاص (پرداخت‌های خیریه) در نظر گرفته می‌شود. بخشودگی‌ها مبالغی هستند که متناسب با هزینه‌های زندگی تعیین و از درآمد مشمول مالیات خارج می‌شوند. وضع مالیات بر مخارج ضروری خانوار غیرعادلانه است. لذا باید بخشودگی پایه متناسب با بُعد خانوار (تعداد اعضای خانواده) و سطح عمومی نیاز جامعه تعیین شود. بخشودگی در واقع همان معافیت پایه است که بخشی از مجموع درآمد افراد در محاسبه مالیات در نظر گرفته نمی‌شود. هزینه‌های قابل قبول، مخارج عمده و ضروری زندگی (مانند هزینه‌های درمان و اجاره منزل) هستند که دولت اجازه می‌دهد قبل از محاسبه مالیات از مجموع درآمد افراد کسر شود.

برای محاسبه بدهی مالیاتی ابتدا درآمد خالص محاسبه شده و سپس بخشودگی‌ها و هزینه‌های قابل قبول از آن کسر می‌شود تا درآمد مشمول مالیات به دست آید. درآمد خالص از تجمیع انواع مختلف درآمد و کسر هزینه‌های کسب و کار به دست می‌آید. در مرحله بعد بخشودگی‌ها و هزینه‌های قابل قبول از درآمد خالص کسر می‌شود تا درآمد مشمول مالیات بر مجموع درآمد به دست آید. آنگاه درآمد مشمول مالیات در نرخ مالیاتی ضرب شده و بدهی مالیاتی اولیه به دست می‌آید. در نهایت اعتبار مالیاتی^۱ و مالیات‌های علی‌الحساب^۲ پرداختی در طول سال از بدهی مالیاتی اولیه کسر شده تا بدهی (طلب) نهایی مالیاتی مؤدی مشخص شود. می‌توان در طراحی سیستم مالیاتی به جای بخشودگی از اعتبار مالیاتی استفاده کرد.

اهم هزینه‌های قابل قبول که در کشورهای مورد مطالعه برای مالیات بر مجموع درآمد لحاظ می‌شود، عبارتند از: هزینه‌های درمان و دارو، آموزش فرزندان، اجاره مسکن یا بهره وام خرید مسکن، کمک به خیریه و هزینه برخی از انواع حق بیمه‌ها (بیمه تأمین اجتماعی، بیمه درمانی و گاهی بیمه تکمیلی یا بیمه عمر)، البته ممکن است همه این موارد به‌طور هم‌زمان در یک کشور هزینه قابل قبول نباشند و هر کشور تنها بعضی از این موارد را در طراحی سیستم مالیاتی خود به‌عنوان هزینه قابل قبول در نظر بگیرد. همچنین

۱. اعتبار مالیاتی مبالغی است که از بدهی مالیاتی اولیه کسر می‌شود تا مالیات قابل پرداخت به دست آید.

۲. مالیات علی‌الحساب مبالغی است که در طول دوره مالیاتی به‌صورت اخذ در منبع یا براساس عملکرد سال‌های گذشته کسر می‌شود و پس از محاسبه مالیات قابل پرداخت در انتهای دوره مالیاتی به‌مثابه اعتبار مالیاتی در نظر گرفته شده و بدهی مالیاتی را کاهش می‌دهد.

در بسیاری از کشورها هزینه‌های مختلف صرفاً تا سقف مشخصی قابل پذیرش است. انگیزه اصلی لحاظ هزینه‌های قابل قبول، کسر هزینه‌های ضروری زندگی در جهت رعایت عدالت است. همچنین گاهی برای تشویق به تولید کالاهای عمومی و فعالیت‌های عام‌المنفعه دولت می‌تواند هزینه‌های برخی فعالیت‌ها را به‌عنوان هزینه قابل قبول در نظر بگیرد و از این روش مردم را به فعالیت‌های مشخصی تشویق کند. برای مثال دولت می‌تواند به‌جای ساخت مدرسه با منابع مالی خود، هزینه ساخت مدرسه را به‌عنوان هزینه قابل قبول در نظر بگیرد تا بخش غیردولتی همان مدرسه را بسازد. در این صورت دولت توانسته است با چشم‌پوشی از مقدار کمی از درآمد مالیاتی خود زمینه تأسیس همان مدرسه را بدون انجام هزینه مستقیم فراهم آورد. البته لازم است که منظور جلوگیری از سوءاستفاده و فرار مالیاتی آن فعالیت عام‌المنفعه شفاف، قابل مشاهده و اندازه‌گیری باشد. همچنین آن پروژه توسط مردم قابل اجرا باشد و سپردن آن به مردم صرفه اقتصادی داشته باشد.

پیشنهاد‌های راهکارهای سیاستی، تقنینی و مدیریتی

در ایران مالیات بر مجموع درآمد اشخاص حقیقی وجود ندارد و تخفیفات مالیاتی متفرقه برای پایه‌های مالیاتی جداگانه در نظر گرفته شده است. هر ساله در بودجه سالیانه بخشودگی‌هایی برای پایه‌های درآمدی مختلف مانند حقوق، مشاغل و اجاره به‌صورت جداگانه در نظر گرفته می‌شود. همچنین به‌موجب ماده (۱۷۲) قانون مالیات‌های مستقیم، کمک به مراکز خاص (دانشگاه‌ها، هلال احمر و کمیته امداد و...) هزینه قابل قبول برای اشخاص حقیقی و حقوقی لحاظ می‌شود. معافیت هزینه‌های درمانی، حق بیمه درمانی و هزینه سفرهای شغلی کماکان در قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۹۴ مواد (۹۱ و ۱۳۷) وجود دارد. فهرست هزینه‌های قابل قبول کسب‌وکارهای حقیقی و حقوقی نیز در ماده (۱۴۸) قانون مالیات‌های مستقیم آمده، البته در ایران فهرستی طولانی از معافیت‌های مالیاتی وجود دارد که بسیاری از آنها غیرضروری است.

ضروری است مطابق مبانی نظری و تجارب جهانی قانون مالیات‌های مستقیم به‌نحوی اصلاح شود که ضمن وضع مالیات بر مجموع درآمد از طریق تلفیق پایه‌های مالیاتی جداگانه، بخشودگی و هزینه‌های قابل قبول مرتبط با زندگی فرد یا خانوار در نظر گرفته شود. لازم است این هزینه‌های قابل قبول و بخشودگی جایگزین برخی معافیت‌های غیرضرور شود. هزینه‌های قابل قبول و بخشودگی باید به‌نحوی باشند که مخارج اصلی و هزینه‌های ضروری مشمول مالیات نشود تا عدالت و بازتوزیع بیشتری در جامعه محقق شود.

۱. مقدمه

یکی از مباحث چالش برانگیز در طراحی نظام مالیات بر مجموع درآمد، موضوع هزینه‌های قابل قبول فرد یا خانوار^۱ و بخشودگی‌ها^۲ در این نظام است. هزینه‌های قابل قبول و بخشودگی‌های مرتبط با فرد/خانواده مواردی هستند که از مجموع درآمد مؤدی کاسته می‌شوند تا درآمد مشمول مالیات^۳ به دست آید. رویکرد کشورهای مختلف در این مسئله بسیار متفاوت است. نظام مالیاتی برخی کشورها از جمله ایالات متحده آمریکا نظام مالیاتی فراگیر^۴ است و در آن موارد متعددی از هزینه‌های مؤدی به عنوان هزینه‌های قابل قبول در نظر گرفته می‌شود. این موارد پایه مالیاتی را کوچک می‌کند و در نتیجه درآمد مالیاتی دولت را کاهش می‌دهد. گروه دیگری از کشورها هزینه‌های قابل قبول بسیار اندکی در نظر می‌گیرند و ضمن ساده‌سازی محاسبه مالیات توسط مردم و سازمان مالیاتی، درآمد مالیاتی بیشتری به دست می‌آورند. یکی از گام‌های ضروری برای طراحی نظام مالیاتی مناسب آشنایی با مزایا و معایب محدود کردن درآمد مشمول مالیات از طریق تقنین هزینه‌های قابل قبول و بخشودگی‌هاست. مسئله اصلی این گزارش این است که چه انواعی از هزینه‌های قابل قبول و بخشودگی در مالیات بر مجموع درآمد اشخاص حقیقی وجود دارد؟ مزایا و معایب هر یک چیست؟ و سایر کشورها چه تجربه‌ای در این زمینه دارند؟

ذکر این نکته ضروری است که میان هزینه‌های قابل قبول مجموع درآمد فرد یا خانوار و هزینه‌های قابل قبول کسب و کار تفاوت وجود دارد. هزینه کسب و کار، هزینه‌هایی است که یک شخص حقیقی یا یک شرکت برای خرید مواد اولیه و سایر هزینه‌های تولید محصول یا خدمات انجام می‌دهد، ولی هزینه‌های مرتبط با فرد یا خانوار، پس از به دست آمدن هزینه خالص کسب و کار و جمع با سایر درآمدها از مجموع درآمد فرد یا خانوار کسر می‌شود و شامل هزینه‌هایی مانند درمان، اجاره منزل و آموزش فرزندان می‌شود. برای مثال یک فرد دارای کسب و کار (مانند نجاری) را در نظر بگیرید. این فرد هزینه‌های زیادی برای کسب و کار خود می‌کند که مرتبط با هزینه‌های زندگی شخصی‌اش نیست. ابتدا این هزینه کسر و خالص درآمد شغلی او به دست می‌آید، سپس اگر این فرد درآمد دیگری داشت با آن جمع زده می‌شود و در این مرحله بخشودگی‌ها و هزینه‌های مرتبط با زندگی شخصی و خانوار وی از مجموع درآمد کسر می‌شود. اگر فردی خودش متولی کسب و کاری نباشد و تنها از محل حقوق یا درآمد اجاره یا عایدی سرمایه درآمد داشته باشد، هزینه قابل قبول کسب و کار برای او موضوعیت ندارد و تنها هزینه‌های قابل قبول مرتبط با زندگی از مجموع درآمد وی کسر می‌شود.

در این گزارش، ابتدا به بیان تعاریف و اصطلاحات پرداخته شده و در آن اصطلاحاتی چون درآمد خالص و ناخالص، درآمد مشمول مالیات، بخشودگی‌ها، هزینه‌های قابل قبول و اعتبار مالیاتی تعریف شده است. در بخش بعد به بررسی منطبق در نظر گرفتن هزینه‌های قابل قبول و بخشودگی و بیان فلسفه وجودی آنها پرداخته شده است. سپس هزینه‌های قابل قبول در قوانین سایر کشورها مورد بررسی قرار می‌گیرد و در ضمن آن انواع هزینه‌های قابل قبول معرفی و ابعاد گوناگون آن بیان می‌شود. در بخش پنجم به هزینه‌های قابل قبول کسب و کار پرداخته می‌شود. این هزینه‌ها گاهی به غلط به عنوان مصرف خانوار تلقی می‌شود؛ در حالی که هزینه انجام یک فعالیت اقتصادی است و باید به عنوان هزینه قابل قبول کسب و کار در نظر گرفته شده و از درآمد فرد قبل از کسر بخشودگی‌ها و هزینه‌های قابل قبول فرد یا خانوار کسر شود. در نهایت وضعیت کنونی معافیت‌ها، هزینه‌های قابل قبول و بخشودگی‌ها در ایران تبیین شده است.

1. Deductions
2. Exemptions
3. Taxable Income
4. Comprehensive

۲. تعاریف



قبل از شروع بحث لازم است برخی اصطلاحات به کار رفته در متن گزارش تعریف شوند. در ضمن مثال محاسبه بدهی مالیاتی یک فرد، فهم دقیق و عینی تری از این اصطلاحات به دست می آید:

■ **درآمد ناخالص:** درآمد فرد قبل از پرداخت مالیات و کسر هزینه‌های رایج کسب و کار است. انواع منابع درآمدی مانند درآمد هر نوع کسب و کار، دستمزد دریافتی، سود سهام، درآمد اجاره، عایدی سرمایه و ... با یکدیگر جمع شده و درآمد ناخالص را تشکیل می‌دهند [۱۷].

■ **درآمد خالص:** از کسر هزینه‌های کسب و کار از درآمد ناخالص به دست می‌آید. درآمد خالص یا درآمد قبل از مالیات، درآمدی است که هنوز مالیات آن پرداخت نشده، اما هزینه‌های قابل قبول کسب و کار از آن کسر شده است.

■ **بخشودگی‌های متناسب با مؤدیان مالیات بر مجموع درآمد:** مبالغی هستند که به‌ازای تعداد اعضای خانواده محاسبه و از درآمد کسر می‌شوند. بخشودگی‌ها هزینه حداقل‌های زندگی هستند که نباید مشمول مالیات شوند. «بخشودگی» در برخی منابع به «معافیت پایه» نیز شناخته می‌شود که بخشی از درآمد مشمول مالیات نمی‌شود.

■ **هزینه‌های قابل قبول مؤدیان مالیات بر مجموع درآمد:** یکی از اقلام دیگری است که از درآمد کسر می‌شود. دولت به مؤدیان این اجازه را می‌دهد که هزینه‌های خاصی را از درآمد مشمول مالیات خود خارج کنند. این هزینه‌ها، موردی و متناسب با مصارف خاص اشخاص حقیقی است. برای مثال هزینه بهره وام مسکن و مخارج درمانی از هزینه‌های قابل قبول هستند.

■ **درآمد مشمول مالیات:** حاصل کم کردن درآمدهای معاف، بخشودگی‌ها و هزینه‌های قابل قبول از درآمد خالص است. درآمد مشمول مالیات پایه مالیاتی است و در نرخ مالیات ضرب می‌شود تا بدهی مالیاتی به دست آید.

■ **اعتبار مالیاتی:** مبالغی است که از بدهی مالیاتی کسر می‌شود تا مالیات قابل پرداخت (و یا استرداد مالیاتی) به دست آید. تفاوت هزینه‌های قابل قبول و اعتبار مالیاتی این است که هزینه‌های قابل قبول از درآمد فرد کسر شده، ولی اعتبار مالیاتی از بدهی مالیاتی کسر می‌شود.

برای روشن شدن این مفاهیم به یک مثال عددی توجه کنید. فرض کنید شخصی ۷۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال درآمد خالص دارد که ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال آن از محل کشاورزی و معاف است. این فرد یک همسر و سه فرزند دارد و بخشودگی درآمد به‌ازای هر نفر ۴,۰۰۰,۰۰۰ ریال است، پس مجموعاً ۲۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال از درآمد مورد بخشودگی قرار می‌گیرد. این فرد ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال در ساخت مدرسه مشارکت داشته که به‌عنوان هزینه قابل قبول تلقی می‌شود؛ بنابراین درآمد مشمول مالیات این فرد برابر با ۳۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال می‌باشد که از کسر درآمدهای معاف، بخشودگی‌ها و هزینه‌های قابل قبول از درآمد ناخالص به دست آمده است. اگر نرخ مالیات هموار ۱۰٪ باشد بدهی مالیاتی اولیه برابر با ۳,۵۰۰,۰۰۰ ریال است. در صورتی که اعتبار مالیاتی پایه ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال باشد مالیات قابل پرداخت او ۲,۵۰۰,۰۰۰ ریال خواهد بود.

■ **مخارج مالیاتی:** آن بخش از درآمدهای مالیاتی است که دولت قادر به دریافت آن بوده، اما از دریافت آن چشم‌پوشی کرده است.

مهم‌ترین مخارج مالیاتی شامل هزینه‌های قابل قبول، بخشودگی‌ها و اعتبارات مالیاتی است.

■ **برابری افقی:** به معنای اخذ مالیات برابر از افرادی است که توان پرداخت برابر دارند.

■ **برابری عمودی:** به معنای اخذ مالیات بیشتر از گروه‌های پردرآمد و اخذ مالیات کمتر از گروه‌های کم درآمد به منظور بازتوزیع و افزایش برابری درآمدی در جامعه است.

جدول ۱. نمونه فرضی شیوه کسر بخشودگی، هزینه‌های قابل قبول و اعتبار مالیاتی

درآمد خالص	۷۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
- درآمدهای معاف	۱۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
- بخشودگی‌ها	۲۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
- هزینه‌های قابل قبول	۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال
= درآمد مشمول مالیات	۳۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال
× نرخ مالیات	٪ ۱۰
= بدهی مالیاتی	۳,۵۰۰,۰۰۰ ریال
- اعتبار مالیاتی	۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال
= مالیات قابل پرداخت	۲,۵۰۰,۰۰۰ ریال

تعریف جامع درآمد هیگ-سایمونز: عموم اقتصاددانان بخش عمومی معیار اصلی خود را برای تعریف درآمد، تعریف جامع درآمد هیگ-سایمونز^۱ قرار داده‌اند. مبنای مالیات‌ستانی در این تعریف اصل مالیات‌ستانی براساس توان پرداخت^۲ است. طبق این تعریف، درآمد یک‌ساله فرد برابر با پتانسیل مصرف او در طول یک سال است که با میزان مصرف فرد به‌علاوه تغییر در انباشت ثروت او برابری می‌کند [۹] و [۱۸]. این تعریف همه انواع منابع درآمدی را شامل می‌شود و هیچ نوع درآمدی را از قلم نمی‌اندازد [۹] و [۷].

۳. منطق در نظر گرفتن هزینه‌های قابل قبول و بخشودگی‌ها

بنابه تعریف مخارج مالیاتی^۳ آن بخش از درآمدهای مالیاتی است که دولت قادر به دریافت آن بوده، اما از دریافت آن چشم‌پوشی کرده است. مهم‌ترین مخارج مالیاتی شامل هزینه‌های قابل قبول^۴، بخشودگی‌ها^۵ و اعتبارات مالیاتی^۶ است. به‌طور کلی مخارج مالیاتی برای تشویق به برخی فعالیت‌های خاص یا حمایت از مالیات‌دهندگان در برخی شرایط خاص به‌کار گرفته می‌شود. مخارج مالیاتی شبیه به پرداخت هزینه یک فعالیت توسط دولت هستند، چراکه باعث کاهش درآمد مالیاتی دولت می‌شوند. اشکال مختلفی برای مخارج مالیاتی می‌توان در نظر گرفت: گاهی بخشی از درآمد مورد بخشودگی قرار می‌گیرد. برای مثال معافیت (یا بخشودگی) پایه مالیات حقوق که با هدف عدم مالیات‌ستانی از اقشار کم درآمد لحاظ می‌شود. به این قسم از مخارج مالیاتی، بخشودگی گفته می‌شود. گاهی برخی هزینه‌ها به‌عنوان هزینه قابل قبول تلقی شده و مبلغ آن از درآمد کسر می‌شود و درآمد مشمول مالیات را کاهش می‌دهد. شکل دیگر مخارج مالیاتی، اعتبار مالیاتی است که از بدهی مالیاتی مشمولین کسر می‌شود [۱۵]. به‌طور کلی سه دلیل عمده برای در نظر گرفتن برخی مخارج مالیاتی وجود دارد:

- ۱ هزینه‌های زندگی و برابری عمودی،
- ۲ تولید کالاهای عمومی و کالاهای با آثار خارجی مثبت با هزینه کمتر،
- ۳ ارتقای برابری افقی.

1. Haig-Simons Comprehensive Income Definition
2. Ability to Pay Principle
3. Tax Expenditures
4. Deductions
5. Exemptions
6. Tax Credits

بخشودگی پایه در جهت کمک به تأمین هزینه‌های زندگی خانوار و هزینه‌های قابل قبول در جهت تولید کالاهای عمومی و ارتقای برابری افقی وضع می‌شود. در ادامه به این موارد می‌پردازیم:

۳-۱. هزینه‌های زندگی و برابری عمودی

مهم‌ترین استدلال برای در نظر گرفتن بخشودگی‌ها این است که هزینه‌های ضروری زندگی نباید مشمول مالیات شود. طبیعتاً با این منطق، میزان بخشودگی باید با بُعد خانوار رابطه داشته باشد، چراکه با افزایش تعداد فرزندان هزینه‌های زندگی افزایش می‌یابد و باید بخشودگی بیشتری در نظر گرفته شود.^۱

بخشودگی پایه یعنی مبلغی که با توجه به بُعد خانوار تعیین و از درآمد مشمول مالیات کسر می‌شود، می‌تواند براساس مقیاس‌های هم‌ارزی^۲ تعیین شود. مقیاس‌های هم‌ارزی، هزینه‌های ضروری زندگی خانوار را برحسب تعداد اعضا نشان می‌دهند [۱۱]. نیاز به فضای منزل، برق و ... برای یک خانواده سه‌نفره کمتر از سه برابر یک خانواده یک‌نفره است. اگر مخارج ضروری یک فرد مجرد (خانواده تک‌نفره) یک واحد باشد، مخارج یک خانواده دو نفره کمتر از دو واحد است. طبق معیار آکسفورد (معیار قدیمی کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی) اعضای دیگر اگر بزرگ‌سال باشند ۰/۷ و اگر کودک (زیر ۱۴ سال) باشند ۰/۵ واحد به مخارج خانواده می‌افزایند [۱۴]. طبق معیار تعدیل‌شده کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی هر عضو بزرگ‌سال ۰/۵ واحد و هر کودک ۰/۳ واحد به مخارج ضروری خانواده می‌افزایند [۸]. این مقادیر در جدول مقیاس‌های هم‌ارزی ذکر شده است. برای تشویق به فرزندآوری می‌توان بخشودگی را نه براساس مقیاس‌های هم‌ارزی، بلکه به تناسب تعداد اعضا در نظر گرفت. یعنی به‌ازای هر نفر یک واحد به بخشودگی‌ها اضافه کرد. به تعبیر دیگر می‌توان هزینه نسبی و بخشودگی هر فرزند را برابر با بزرگ‌سال در نظر گرفت. این بخشودگی مشوق خوبی برای فرزنددار شدن است.

بخشودگی پایه را می‌توان به اعتبار مالیاتی پایه تبدیل کرد. اعتبار مالیاتی دو مزیت عمده دارد: مزیت اول این است که اعتبار مالیاتی نسبت به بخشودگی‌ها اثر بازتوزیعی بیشتری دارد. به‌ویژه در صورتی که اعتبار مالیاتی از نوع برگشت‌پذیر باشد، اثر بازتوزیعی مضاعف شده و طبقات فقیر نفع بیشتری می‌برند.^۳ در صورتی که نرخ‌های مالیاتی تصاعدی باشد بخشودگی‌ها برای خانوارهای پردرآمد ارزش بیشتری دارد و بدهی مالیاتی آنها را بیشتر از خانوارهای کم‌درآمد کاهش می‌دهد.^۴ مزیت دوم اعتبار مالیاتی این است که می‌توان از آن به‌عنوان سازوکار پرداخت یارانه استفاده کرد. در صورتی که اعتبار مالیاتی از نوع برگشت‌پذیر باشد افراد بسیار کم‌درآمد نه تنها مالیاتی نمی‌پردازند، بلکه از حمایت یارانه‌ای نیز برخوردار می‌شوند.

۱. در دوران کلاسیک اقتصاددانانی چون ریکاردو اخذ مالیات از دستمزد را ناصواب می‌شمردند. علت این بود که در آن دوران میزان دستمزد کارگران از نیازهای پایه زندگی آنها فراتر نمی‌رفت (ژید و ریست، ۱۳۹۵، ج ۱، ۲۴۶). ریکاردو معتقد بود در شرایطی که دستمزد از نیازهای اساسی افراد فراتر نمی‌رود، حتی اگر مالیات بر دستمزد وضع شود این مالیات به دستمزد اصابت نمی‌کند، بلکه به سود سرمایه‌دار اصابت می‌کند. پیش از آن فیزیوکرات‌ها تنها اخذ مالیات از طبقه مالک را جایز می‌شمردند و معتقد بودند سایر درآمدها باید به تأمین معیشت طبقات پیشه‌ور و کشاورز برسد و هرگاه مالیات قسمتی از این‌گونه عواید که اختصاص به مصارف ضروری دارد را دربربگیرد اندک‌اندک سرچشمه ثروت و آبادانی اجتماع خشک خواهد شد. (همان، ج ۱، ۶۰).

2. Equivalence Scales

۳. در محاسبه مالیات قابل پرداخت ممکن است درآمد مشمول مالیات یک مؤدی آن قدر کم باشد که میزان اعتبار مالیاتی از میزان بدهی مالیاتی اولیه بیشتر شود. در چنین شرایطی اگر اعتبار مالیاتی از نوع برگشت‌پذیر (قابل استرداد) باشد مبلغ مابه‌التفاوت در قالب یارانه به مؤدی پرداخت می‌شود. در صورتی که اعتبار مالیاتی از نوع برگشت‌ناپذیر (غیرقابل استرداد) باشد یارانه‌ای به مؤدی تعلق نمی‌گیرد و صرفاً مالیات قابل پرداخت به صفر می‌رسد.

۴. با یک مثال می‌توان ارزش بیشتر بخشودگی نسبت به اعتبار مالیاتی را برای خانوارهای پر درآمد توضیح داد: فرض کنید درآمد مشمول مالیات کمتر از ۵۰ میلیون ریال با نرخ ۱۰٪ و بالاتر از آن با نرخ ۲۰٪ مشمول مالیات می‌شود. در یک حالت بخشودگی پایه ۲۰ میلیون ریال است و اعتبار مالیاتی وجود ندارد و در حالت دیگر اعتبار مالیاتی ۲ میلیون ریال است و بخشودگی پایه وجود ندارد. برای خانواری که ۴۰ میلیون ریال درآمد مشمول مالیات دارد تفاوتی نمی‌کند که بخشودگی پایه یا اعتبار مالیاتی پایه وجود داشته باشد، چراکه مالیات قابل پرداخت در هر دو حالت ۲ میلیون ریال است، اما خانواری که درآمد مشمول مالیات آن ۸۰ میلیون ریال است در حالتی که بخشودگی پایه وجود دارد باید ۷ میلیون مالیات بدهد و در حالتی که اعتبار مالیاتی وجود دارد باید ۱۱ میلیون ریال مالیات بپردازد. بنابراین برای خانوار پر درآمد بخشودگی پایه ارزشمندتر از اعتبار مالیاتی پایه است و در یک نگاه کلان، نظام مالیاتی که از اعتبار مالیاتی پایه استفاده می‌کند نسبت به نظام مالیاتی که از بخشودگی پایه استفاده می‌کند بازتوزیع‌کننده‌تر است.

۲-۳. تولید کالاهای عمومی و آثار خارجی مثبت

استفاده گسترده از مخارج مالیاتی پیچیدگی نظام مالیاتی را افزایش می‌دهد و می‌تواند آثار منفی بر کارایی و برابری داشته باشد. برخی مخارج مالیاتی موجب افزایش هزینه تمکین مالیاتی برای مؤدی می‌شوند و کارایی را کاهش می‌دهند. علاوه بر این ممکن است وضع مخارج مالیاتی برابری افقی و عمودی را نقض کند. با وجود این کشورهای زیادی به‌طور وسیع از مخارج مالیاتی استفاده می‌کنند و آن را جایگزین یا مکمل مخارج مستقیم دولتی می‌دانند. بدین‌صورت که در صورت هزینه کردن در حوزه‌هایی مانند ساخت مدرسه و... هزینه‌های انجام‌شده را به‌عنوان هزینه قابل قبول در نظر می‌گیرند. یکی از دلایلی که در حمایت از مخارج مالیاتی مطرح می‌شود این است که در بعضی موارد در انجام کار توسط مردم صرفه به مقیاس وجود دارد؛ یعنی هزینه متوسط انجام کار در مقیاس بزرگ توسط دولت بیشتر از هزینه متوسط انجام کار در مقیاس کوچک و توسط مردم است [۱۵]. در واقع دولت می‌تواند با چشم‌پوشی از مقداری از درآمد مالیاتی بالقوه، فعالیت مورد نظر خود را از طریق مردم به انجام برساند و یا با اخذ مالیات (حذف انواع مخارج مالیاتی) و هزینه کردن مستقیم، خود آن فعالیت را انجام دهد. سؤالی که در این قسمت مطرح است این است که دولت در چه مواردی بهتر است از مخارج مستقیم استفاده کند و در چه مواردی هزینه‌های قابل قبول در نظر بگیرد و از طریق تشویق مالیاتی فعالیت مورد نظر را تحقق بخشد؟ برای مثال فرض کنید دولت نیاز به احداث مدرسه‌ای دارد که هزینه آن ۱۰ میلیارد تومان است. دولت می‌تواند خود مستقیماً اقدام به ساخت این مدرسه کند؛ اما اگر هزینه ساخت مدرسه را به‌عنوان هزینه قابل قبول در نظر بگیرد ممکن است خیرین همین ۱۰ میلیارد تومان را برای ساخت مدرسه هزینه کنند. در این صورت با فرض آنکه نرخ مالیات بر درآمد ۱۰ درصد باشد دولت تنها مبلغ ۱ میلیارد تومان از درآمد مالیاتی خود چشم‌پوشی کرده است. به‌عبارت‌دیگر دولت با پذیرش ۱ میلیارد تومان مخارج مالیاتی توانسته است از هزینه ۱۰ میلیاردی اجتناب کند و در عین حال به هدف خود که ساخت مدرسه بوده دست یافته است.

به‌طور کلی در صورت وجود چهار شرط زیر بهتر است دولت بابت ایجاد زیرساخت‌ها و کالاهای عمومی هزینه‌های قابل قبول در نظر بگیرد و در صورت عدم وجود این چهار شرط دولت مستقیماً زیرساخت‌ها و کالاهای عمومی را با تکیه بر منابع مالی خود ایجاد کند: **۱** فعالیتی که هزینه آن به‌عنوان هزینه قابل قبول در نظر گرفته می‌شود کاملاً تعریف‌شده، شفاف، قابل مشاهده و اندازه‌گیری باشد. در صورتی که کیفیت فعالیت و انجام‌دهنده آن به‌راحتی قابل شناسایی نباشد بهتر است دولت با مخارج مستقیم آن فعالیت را انجام دهد و سازمان مالیاتی را درگیر فرایند پرزحمت شناسایی انجام‌دهندگان یک فعالیت نه‌چندان شفاف نکند.

۲ فعالیتی که با استفاده از هزینه‌های قابل قبول به آن تشویق می‌شود دائماً مفید باشد و فعالیتی موقتی و موقعیتی نباشد، چراکه نمی‌شود قانون مالیات را هر سال تغییر داد. توصیه می‌شود انجام فعالیت‌های موقت در قالب بودجه سالیانه که انعطاف بیشتری دارد صورت پذیرد و فعالیت‌های دائمی از طریق در نظر گرفتن هزینه‌های قابل قبول انجام شود.

۳ فعالیت توسط مردم قابل انجام باشد. تولید برخی کالاهای عمومی صرفاً در توان دولت و یا شرکت‌های بزرگ است و اشخاص حقیقی توانایی تولید آنها را ندارند و تشویق مردم به تولید آنها منطقی نیست.

۴ صرفه به مقیاس در انجام فعالیت در سطح خرد باشد و گسترش دامنه فعالیت هزینه متوسط را افزایش دهد. در صورتی که هزینه متوسط با افزایش مقیاس تولید کاهش یابد اصطلاحاً صرفه به مقیاس کاهنده^۱ وجود دارد و بهتر است فعالیت به‌صورت متمرکز توسط دولت صورت پذیرد [۱۵].

در برخی کشورها کمک به سازمان‌های خیریه به‌عنوان هزینه قابل قبول تلقی می‌شود. برای مثال کسی که بخواهد یک دلار هزینه

1. Decreasing Return to Scale

شخصی انجام دهد باید بیش از یک دلار درآمد داشته باشد تا هم مالیات بر درآمد و هم هزینه یک‌دلاری را بپردازد؛ اما اگر کسی بخواهد یک دلار برای ساختن پناهگاه برای افراد بی‌خانمان هزینه کند، مالیاتی بابت آن نمی‌پردازد و صرفاً همان یک دلار را هزینه می‌کند. در واقع دولت با قراردادن هزینه قابل قبول برای یک فعالیت اقتصادی هزینه نسبی آن را برای مردم کاهش می‌دهد.

۳-۳. ارتقای برابری افقی

برخی هزینه‌های ضروری مانند هزینه‌های درمانی بزرگ، توان پرداخت مؤدی را به شدت کاهش می‌دهند. خانوار دارای چنین مخارجی حتی با وجود درآمد بیشتر توان پرداخت کمتری دارد. بر مبنای دکترین مالیات‌ستانی بر مبنای توان پرداخت، در نظر گرفتن چنین هزینه‌هایی به عنوان هزینه قابل قبول گامی مهم در جهت ارتقای برابری افقی است. خانوارهایی که با حوادثی چون آتش‌سوزی، سیل و زلزله مواجه می‌شوند توان پرداخت کمتری در مقایسه با خانوارهای هم سطح از نظر درآمدی دارند. لذا در صورتی که اصل مالیات‌ستانی بر مبنای توان پرداخت را بپذیریم، ضروری است هزینه خسارات مربوط به این حوادث را از درآمد کسر کنیم. هدف از پذیرش این نوع هزینه‌های قابل قبول ارتقای برابری افقی است. برابری افقی در نظام مالیاتی به معنای اخذ مالیات برابر از افرادی است که توان پرداخت برابر دارند. طبق تعریف هیگ-سایمونز، درآمد مساوی است با مجموع مخارج مصرفی و افزایش خالص ثروت در دوره زمانی مورد نظر، اما برخی مخارج، غیرارادی و البته ضروری هستند و حاصل تصمیم خانوار برای مصرف بیشتر نیستند؛ بنابراین افزایش آنها به صورت جبری در یک دوره زمانی قدرت خرید خانوار را کاهش می‌دهد. در طول دوره زمانی مورد اشاره هر چند درآمد و مصرف افزایش یافته، اما به دلیل وجود هزینه‌های غیرارادی و ناگهانی قدرت خرید خانوار افزایش نیافته است. هزینه‌های درمانی ضروری و خسارات مربوط به حوادث مختلف مانند آتش‌سوزی، زلزله، سیل و ... و هزینه‌های کسب و کار از این دست هستند. ممکن است دولت هزینه‌های درمانی را به عنوان هزینه قابل قبول بپذیرد تا خانوارهای بیماران خاص با هزینه‌های درمانی سنگین، متحمل فشار کمتری شوند، اما این گونه هزینه‌های قابل قبول روی دیگری دارد و آن تشویق به مخارج درمانی بیشتر توسط مردم است. برای حل این مسئله دولت می‌تواند تنها مخارج درمانی مشخصی را به عنوان هزینه‌های قابل قبول بپذیرد و سقف معینی برای آن تعیین کند. این گونه هزینه‌های قابل قبول، قابل تبدیل به اعتبار مالیاتی نیز هستند؛ به این معنا که کسری از مخارج درمانی به عنوان اعتبار مالیاتی در نظر گرفته شود.

۴. هزینه‌های قابل قبول و بخشودگی‌ها در سایر کشورها

تجارب متنوعی از نحوه، تعداد و میزان هزینه‌های قابل قبول مجموع درآمد فرد یا خانوار در کشورهای دنیا وجود دارد. هزینه‌های قابل قبول معمولاً اقلام اصلی هزینه‌های زندگی مردم به خصوص افراد متوسط به پایین لحاظ می‌شود. شرایط کشورها متفاوت است و با توجه به شرایط خاص هر کشور و ظرفیت اجرایی که در آن وجود دارد، هزینه‌های قابل قبول مرتبط با فرد یا خانوار تعریف می‌شود. اهم هزینه‌های قابل قبول که در کشورهای دنیا برای مالیات بر مجموع درآمد لحاظ می‌شود، عبارتند از: هزینه‌های درمان و دارو، آموزش فرزندان، اجاره مسکن یا بهره وام خرید مسکن، کمک به خیریه و هزینه برخی از انواع حق بیمه‌ها (بیمه تأمین اجتماعی، بیمه درمانی و گاهی بیمه تکمیلی یا بیمه عمر).

شکل ۱.۱. اهمیت هزینه‌های قابل قبول در کشورهای مورد مطالعه



در سال‌های اخیر برخی از کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۱ هزینه‌های قابل قبول و بخشودگی پایه را کاهش داده و به سمت اعتبار مالیاتی حرکت کرده‌اند. زیرا در صورت تصاعدی بودن نرخ مالیات بر مجموع درآمد، در نظر گرفتن اعتبار مالیاتی اثر بازتوزیعی بیشتری به نفع افراد کم‌درآمد دارد. این درحالی است که هزینه‌های قابل قبول برای افراد پردرآمد با ارزش‌تر هستند و درجه تصاعدی بودن ساختار مالیاتی را کاهش می‌دهند؛ درحالی که اعتبارات مالیاتی برای همه افراد یکسان در نظر گرفته می‌شوند و بازتوزیع بیشتری به نفع دهک‌های فقیر انجام می‌دهند. استفاده از اعتبار مالیاتی برگشت‌پذیر^۲ در بین کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی روند افزایشی داشته است. در اعتبارات مالیاتی برگشت‌پذیر برخلاف اعتبار مالیاتی برگشت‌ناپذیر و هزینه‌های قابل قبول، به افراد کم‌درآمد بازپرداخت انجام می‌گیرد؛ بنابراین افراد کم‌درآمد نیز از اعتبار مالیاتی منتفع می‌شوند، البته برخی کشورهای دیگر نیز به دلیل پیچیدگی‌های اجرایی اعتبار مالیاتی، راه دیگری برای جلوگیری از استفاده بیش از حد افراد پردرآمد از هزینه قابل قبول، در پیش گرفته‌اند. در این روش هزینه‌های مختلف فرد یا خانوار تا سقف مشخصی از مجموع درآمد قابل کسر است و افرادی که هزینه‌های غیرمتعارف دارند نمی‌توانند از طریق کسر تمام هزینه‌هایشان مالیات کمتری بپردازند [۱۵]. در ادامه تجربه چند کشور منتخب در زمینه هزینه‌های قابل قبول و بخشودگی تشریح می‌شود.

۴-۱. آمریکا

نظام مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی آمریکا از نوع فراگیر است.^۳ در الگوی فراگیر، نرخ مالیات بر مجموع درآمد تصاعدی است و تفاوتی بین درآمد ناشی از کار و درآمد ناشی از سرمایه وجود ندارد. در این الگو معمولاً معافیت‌ها و هزینه‌های قابل قبول متعددی

1. Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

2. Non-wastable Tax Credits or Refundable Tax Credits

۳. انواع الگوهای مالیات بر مجموع درآمد اشخاص حقیقی در گزارش «مالیات بر مجموع درآمد اشخاص حقیقی»^۳. الگوهای مالیات بر مجموع درآمد در جهان (ویرایش اول) «شماره مسلسل: ۱۷۵۹۷ بیان شده است.

قرار داده شده است و از این جهت پیچیدگی زیادی وجود دارد.

در آمریکا تمام درآمدهای داخلی و خارجی شهروندان و افراد خارجی مقیم مشمول مالیات است. درآمدهای خارجی تا $\$103,900$ (در سال ۲۰۱۸) بخشوده می‌شود. درآمد ناشی از کار یا سرمایه افراد خارجی غیرمقیم که از منابع داخلی به دست آمده مشمول مالیات است. درآمد ناشی از سرمایه این افراد با نرخ هموار ۳۰٪ و درآمد ناشی از کار آنها طبق جدول نرخ‌های مالیاتی شهروندان آمریکا محاسبه می‌شود. عایدی سرمایه و سبد سهام برای افراد خارجی غیرمقیم مورد معافیت قرار می‌گیرد. درآمد ناخالص شهروندان آمریکا به سه نوع درآمد تقسیم می‌شود:

■ **درآمد کسب‌شده:** طبق قانون شامل حقوق ماهیانه، دستمزد و عایدی هر نوع کسب‌وکار است.

■ **عایدی سرمایه و بازده سرمایه‌گذاری‌ها:** به‌طور کلی درآمد هر نوع سرمایه‌گذاری است و بهره وام، سود تقسیمی، حق امتیاز و هر نوع دارایی سرمایه‌ای را دربرمی‌گیرد. عایدی سرمایه ملک نیز در این دسته قرار دارد.

■ **درآمدهای اتفاقی^۱ هدایا:** برخی هدایا و درآمدهای غیرشفاف مشمول مالیات هستند. درآمد اتفاقی به هر درآمدی اطلاق می‌شود که از فعالیت‌هایی به دست می‌آید که بخشی از شغل یا تجارت عادی شما نیست. این می‌تواند شامل درآمد ناشی از سرگرمی‌ها، کار آزاد گاه به گاه، یا سایر منابع خارج از منبع اصلی درآمد شما باشد. درآمد اتفاقی معمولاً در اظهارنامه مالیاتی شما گزارش می‌شود و مشمول مالیات بر درآمد فدرال، ایالتی و محلی، برحسب مورد است. گزارش دقیق همه منابع درآمد برای اطمینان از رعایت قوانین مالیاتی مهم است. مهم‌ترین مواردی که جزء درآمدها محسوب نشده‌اند عبارتند از: عایدی سرمایه‌ای که هنوز نقد نشده، سود اوراق قرضه شهرداری‌ها،^۲ دریافتی از قراردادهای بیمه عمر، هزینه‌های آموزش که کارفرما پرداخت می‌کند و حق بیمه بازنشستگی پرداختی توسط کارفرما. دستمزد هرگونه پرداختی توسط کارفرما را دربرمی‌گیرد، اما حق بیمه درمانی، حق بیمه بازنشستگی و هزینه مسکن موقت از آن کسر می‌شود. هزینه آموزش فرزندان کارکنان مشمول مالیات است [۵]؛ درآمد کشاورزی و سود تقسیمی مشمول مالیات است [۱۰] و [۱۶]. محاسبه بدهی مالیاتی شهروندان آمریکا با تجمیع منابع درآمدی مختلف برای محاسبه درآمد ناخالص و سپس درآمد ناخالص تعدیل‌شده آغاز می‌شود. درآمد ناخالص شامل دستمزد و حقوق، انواع درآمد ناشی از سرمایه و درآمد کسب‌وکار است. از درآمد ناخالص مقادیری تحت عنوان هزینه قابل قبول کسر می‌شود تا درآمد ناخالص تعدیل‌شده (AGI)^۳ به دست آید. این هزینه‌های قابل قبول شامل موارد زیر است:

- پس‌انداز واریز شده به حساب‌های ویژه بازنشستگی شخصی یا طرح‌های بازنشستگی ویژه افراد خویش فرما،
- مهریه پرداختی به همسر سابق،
- حق بیمه درمانی خویش فرمایان،
- نصف حق بیمه تأمین اجتماعی خویش فرمایان،
- مخارج تحصیلات تا سقف ۲۵۰ دلار،
- حق بیمه حساب پس‌انداز سلامت،
- مخارج حمل‌ونقل مرتبط با شغل برای نیروهای نظامی،
- بهره پرداختی بابت وام‌های دانشجویی.

1. Incidental Income
2. Municipal Bonds
3. Adjusted Gross Income (AGI)

از کسر موارد فوق درآمد ناخالص تعدیل شده به دست می‌آید. مرحله بعد کسر بخشودگی‌ها^۱ است. در سال ۲۰۱۴ این مبلغ \$۱۹۵۰ و در سال ۲۰۱۷، \$۴۰۵۰ به‌زای هر فرد بوده است. در سال ۲۰۱۸ این نوع بخشودگی حذف شد.^۲ مرحله بعد کم کردن هزینه‌های قابل قبول است که به یکی از دو صورت زیر می‌تواند انجام شود. به عبارت دیگر یکی از دو نوع هزینه قابل قبول را می‌توان انتخاب کرد:

۱- هزینه‌های قابل قبول استاندارد:^۳ مقادیر ثابتی هستند که از درآمد مشمول مالیات کسر می‌شوند. در سال ۲۰۱۴ این مبلغ \$۶۲۰۰ برای هر فرد بوده است. در سال ۲۰۱۸ هم‌زمان با حذف بخشودگی پایه مقدار هزینه قابل قبول استاندارد افزایش یافته و در سال ۲۰۱۹ به \$۱۸۳۵۰ برای سرپرستان خانوار و \$۱۲۲۰۰ برای سایر افراد رسیده است [۱۰].

۲- هزینه‌های قابل قبول موردی:^۴ مؤدیان می‌توانند از هزینه‌های قابل قبول استاندارد صرف‌نظر کنند و هزینه‌های قابل قبول موردی را برگزینند. مجموع هزینه‌های مربوط به موارد زیر به‌عنوان هزینه قابل قبول در نظر گرفته می‌شود:

■ مخارج درمانی و دندانپزشکی که از ۷٫۵٪ درآمد ناخالص تعدیل شده بالاتر باشد. این هزینه قابل قبول صرفاً برای مخارج درمانی‌ای قابل استفاده است که از طریق بیمه یا سایر روش‌ها جبران نشده باشد.

■ سایر مالیات‌های پرداخت شده مانند مالیات‌های ایالتی و محلی، مالیات بر مسکن و دارایی‌های شخصی تا سقف \$۱۰,۰۰۰ (مجموع مالیات بر املاک،^۵ مالیات بر دارایی‌های شخصی،^۶ مالیات بر مصرف^۷ یا مالیات بر درآمد^۸ که به دولت‌های ایالتی و محلی پرداخت شده باشد به‌عنوان هزینه قابل قبول در نظر گرفته می‌شود. از میان دو مالیات محلی و ایالتی (مالیات بر مصرف و مالیات بر درآمد) فقط یکی به‌عنوان هزینه قابل پذیرفته می‌شود. یعنی در صورتی که مالیات بر مصرف به‌عنوان هزینه قابل قبول در اظهارنامه مالیاتی ذکر شود نمی‌توان مقادیر مربوط به مالیات بر درآمد محلی و ایالتی را به‌عنوان هزینه قابل قبول ثبت کرد و برعکس. مجموع مالیات‌های پرداختی به دولت‌های ایالتی و محلی تا سقف \$۱۰,۰۰۰ به‌عنوان هزینه قابل قبول مورد پذیرش قرار می‌گیرد).

■ بهره‌ای که مؤدی برای وام‌های سرمایه‌گذاری یا خرید مسکن می‌پردازد،

■ پرداخت‌های خیرخواهانه،

■ خسارات حوادث و سرقت،

■ هزینه‌های کسب‌وکار کارگران و کارمندان مانند عوارض پرداختی به اتحادیه‌ها و مخارج سفرهای کاری [۶]. (از سال ۲۰۱۸ به بعد این هزینه قابل قبول برای همه منظور می‌شود و مختص کسانی که هزینه‌های قابل قبول موردی را انتخاب کنند نیست [۱۰].

مؤدیان مالیاتی این اختیار را دارند که گزینه‌ای که بدهی مالیاتی‌شان را کمتر می‌کند انتخاب کنند. اکثر صاحب‌خانه‌ها بهره وام مسکن و مالیات بر دارایی و املاک زیادی می‌پردازند و انتخاب هزینه‌های قابل قبول موردی برایشان مطلوب‌تر است. حدود ۷۰٪ مالیات‌دهندگان هزینه‌های قابل قبول استاندارد را انتخاب می‌کنند و این پیچیدگی کار سازمان درآمد داخلی آمریکا را کاهش می‌دهد [۷]. مبلغ باقی‌مانده پس از کسر هزینه‌های قابل قبول و بخشودگی‌ها از درآمد ناخالص تعدیل شده، درآمد مشمول مالیات

1. Exemptions

۲. در سال ۲۰۱۷ با تصویب قانون مشاغل و کاهش مالیات‌ها (Tax Cuts and Jobs Act of 2017)، بخشودگی درآمد اشخاص حقیقی (Personal Exemption) به صفر رسید و اعتبار مالیاتی خانواده (Family Tax Credits) و هزینه‌های قابل قبول استاندارد افزایش یافت. این قانون از سال ۲۰۱۸ تا سال ۲۰۲۵ نافذ است.

3. Standard Deduction

4. Itemized Deductions

5. State and Local Real Estate Tax

6. State and Local Personal Property Tax

7. General Sales Tax (GST)

8. State and Local Income Tax

نامیده می‌شود. گام بعد تعیین بدهی مالیاتی اولیه براساس جدول نرخ‌ها و درآمد مشمول مالیات است. ساختار نرخ‌ها در آمریکا تصاعدی است و از ۱۰٪ تا ۳۹٪ است. بدهی مالیاتی اولیه حاصل ضرب درآمد مشمول مالیات و نرخ‌های مالیاتی است. اعتبارات مالیاتی و مالیات علی‌الحساب پرداختی در طول سال از این مبلغ کسر می‌شود تا مالیات قابل پرداخت به‌دست آید. اعتبارات مالیاتی در آمریکا شامل موارد زیر است:

- اعتبار مالیاتی فرزندان^۱ (حداکثر \$۲۰۰۰ که \$۱۴۰۰ آن برگشت‌پذیر است)،
- اعتبار مالیاتی برای نگهداری از کودکان و سالمندان^۲ (۲۰٪ تا ۳۵٪ هزینه‌های فرزندان تا سقف \$۳۰۰۰ و هزینه‌های سایر وابستگان سالمند یا ازکارافتاده تا سقف \$۶۰۰۰ به‌صورت غیر برگشت‌پذیر)،
- اعتبار مالیاتی برای سالخوردگان و معلولین^۳ (\$۴,۹۰۹ تا \$۸,۴۱۶ به‌صورت غیر برگشت‌پذیر)،
- اعتبارات مالیاتی برای مخارج آموزشی^۴ (اعتبار فرصت آمریکایی تا سقف \$۲۵۰۰ که ۴۰٪ آن برگشت‌پذیر است و اعتبار آموزش مادام‌العمر به میزان ۲۰٪ مخارج آموزش عالی تا سقف \$۲۰۰۰ به‌صورت غیر برگشت‌پذیر)،
- اعتبار مالیاتی برای استخدام گروه‌های شغلی که نرخ بیکاری بالایی دارند (با استخدام خلاف‌کاران سابق و مشمولان طرح‌های رفاهی مثل برنامه تغذیه تکمیلی (SNAP) و برنامه امنیت درآمدی تکمیلی (SSI) و ... حداکثر \$۹۶۰۰ به‌صورت غیر برگشت‌پذیر به استخدام‌کننده تعلق می‌گیرد)،
- اعتبار مالیاتی درآمد ناشی از کار (EITC) برای خانوارهای بسیار کم‌درآمد (برای خانوار دارای سه فرزند \$۶,۵۵۷ به‌صورت برگشت‌پذیر است) [۷] و [۱۰].

اعتبارات مالیاتی از بدهی مالیاتی اولیه کسر می‌شود و مالیات قابل پرداخت (استرداد مالیاتی) به‌دست می‌آید. به‌دلیل وجود هزینه‌های قابل قبول متعدد ممکن است خانوارهای پردرآمد هیچ مالیاتی نپردازند و از هزینه‌های قابل قبول به‌صورت افراطی استفاده کنند. برای جلوگیری از اجتناب مالیاتی ثروتمندان از طریق هزینه‌های قابل قبول،^۵ قانونی به نام حداقل مالیات جایگزین (AMT)^۶ اعمال می‌شود که بدهی مالیاتی را به‌صورت موازی از روش دیگری (برمبنای درآمد ناخالص و با نرخ‌های دیگری) محاسبه می‌کند. اگر مؤدی درآمد زیادی داشته باشد، اما با استفاده از هزینه‌های قابل قبول متعدد مالیات بسیار کمی بپردازد این قانون مانع می‌شود و حداقل بدهی مالیاتی برای او تعیین می‌کند. بدهی مالیاتی یک‌بار از روش AMT و یک‌بار از روش معمولی محاسبه و مقدار بیشتر به‌عنوان مالیات قابل پرداخت در نظر گرفته می‌شود. در محاسبه بدهی مالیاتی از روش AMT درآمد ناخالص مبنا قرار داده می‌شود و اکثر هزینه‌های قابل قبول از درآمد کسر نمی‌شود، اما بخشودگی پایه و تعداد معدودی هزینه قابل قبول موردی وجود دارد. میزان بخشودگی پایه در سال ۲۰۱۹ برای مؤدیان مجرد \$۷۱,۷۰۰ و برای مؤدیان متأهلی که به‌صورت مشترک فرم پر می‌کنند \$۱۱۱,۷۰۰ است. بدیهی است اگر مقدار درآمد مشمول مالیات AMT از بخشودگی پایه کمتر باشد نیازی به محاسبه و پرداخت حداقل مالیات جایگزین نیست. ساختار نرخ‌های AMT در جدول ۲ آمده است.

1. Child Tax Credit
2. Child and Dependent Care Credit
3. Credit for the Elderly or the Disabled
4. Education Credits
5. Tax Avoidance or Tax Shelter
6. Alternative Minimum Tax (AMT)

جدول ۲. نرخ‌های حداقل مالیات جایگزین (AMT)

نرخ	بازه درآمد مؤدیان متاهل	بازه درآمد مؤدیان مجرد
۰٪	۰ تا \$111,700	۰ تا \$71,700
۲۶٪	\$111,700 تا \$194,800	\$71,700 تا \$194,800
۲۸٪	\$194,800 به بعد	\$194,800 به بعد

برای مؤدیان پردرآمدی که از هزینه‌های قابل قبول زیادی استفاده می‌کنند بدهی مالیاتی AMT بیشتر از بدهی مالیاتی از روش معمولی است؛ بنابراین چنین افرادی باید بدهی مالیاتی AMT را به سازمان مالیاتی پرداخت کنند، اما برای مؤدیانی که از هزینه‌های قابل قبول زیادی استفاده نمی‌کنند بدهی مالیاتی معمولی بیشتر از بدهی مالیاتی محاسبه شده از روش AMT است. لذا مالیات قابل پرداخت همان بدهی مالیاتی محاسبه شده از روش معمولی است [۱۰].

بازه‌های نرخ‌های معمولی دائماً متناسب با تورم تعدیل می‌شود، اما نرخ‌های AMT تا قبل از سال ۲۰۱۷ برای مدت‌ها ثابت باقی‌مانده و تورمزدایی نشده بود. قانونی که قرار بود از اجتناب مالیاتی دهک‌های پردرآمد جلوگیری کند در سال ۲۰۱۶ شامل حال ۴٫۵ میلیون نفر شده بود. در سال ۲۰۱۷ و قبل از اصلاح این قانون ۲۵٪ پرداخت‌کنندگان AMT را خانوارهای دارای درآمد کمتر از \$500,000 تشکیل می‌دادند. با افزایش بخشودگی پایه AMT و تورمزدایی بازه‌های درآمدی این مشکل برطرف شد و مؤدیان کم‌درآمد از قرار گرفتن در معرض حداقل مالیات جایگزین رهایی یافتند. در سال ۲۰۱۹ تنها ۰٫۲٪ از خانوارهای دارای درآمد کمتر از \$500,000 ملزم به پرداخت مالیات AMT شدند [۷] و [۱۹].

۲-۴. استرالیا

ساکنان استرالیا مشمول مالیات بر درآمد بابت تمام انواع درآمد به‌دست آمده در استرالیا و کشورهای دیگر هستند. درآمد مشمول مالیات برابر با مجموع انواع درآمدها منهای هزینه‌ها و زیان‌های قابل قبول است. درآمد حاصل از اشتغال، حقوق و دستمزد، جبران به صورت نقدی، درآمد کسب‌وکار و خویش‌فرمایی، درآمد کشاورزی، حق‌الزحمه مدیران، سود سهام، درآمد اجاره، درآمد بهره و حق‌الامتيازها از جمله درآمدهای مشمول مالیات هستند. برای سود تقسیمی سهام قوانین جداگانه‌ای با هدف جلوگیری از مالیات مضاعف وضع شده که نظام مالیاتی این کشور را قدری پیچیده و نامأنوس کرده است [۵] و [۱۹].

در استرالیا شرکت‌ها، مشمول مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی با نرخ ۳۰٪ هستند، اما اشخاص حقیقی با نرخ‌های تصاعدی از ۱۹٪ تا ۴۵٪ مالیات می‌پردازند. سود تقسیمی شرکت‌هایی که مالیات خود را پرداخته‌اند سود تقسیمی مهمور^۱ نامیده شده و برای آن اعتبار مالیاتی به میزان مالیات پرداخت شده توسط شرکت در نظر گرفته می‌شود. این اعتبار مالیاتی به‌گونه‌ای عمل می‌کند، در صورتی که نرخ مالیات اشخاص حقیقی برابر با ۳۰٪ شود مالیات سود تقسیمی برابر با صفر شود و از اشخاص حقوقی بابت سود سهام دریافتی مالیات دیگری اخذ نشود، اما در صورتی که نرخ مالیات بر شخص حقیقی بالاتر از ۳۰٪ باشد مابه‌التفاوت نرخ مالیات شرکت و اشخاص حقیقی دریافت می‌شود. به‌تعبیر دیگر اگر مالیات بر سود شرکت پیش از تقسیم سود پرداخت شده باشد، معافیت سود تقسیمی از مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی به نرخ نهایی مالیات اشخاص حقیقی بستگی دارد و در صورتی که درآمد مشمول مؤدی (شامل

1. Franked Dividends

سود تقسیمی، دستمزد و ... در بازه با نرخ ۳۰٪ قرار گرفته باشد، سود تقسیمی با نرخ صفر مشمول مالیات می‌شود؛ اما اگر نرخ نهایی مالیات مؤدی بیش از ۳۰٪ باشد مابه‌التفاوت نرخ نهایی تا ۳۰٪ به‌عنوان مالیات بر سود تقسیمی از اشخاص حقیقی دریافت می‌شود. برای مثال اگر نرخ مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی برای یک مؤدی ۴۵٪ باشد درآمد سود تقسیمی مشمول مالیات با نرخ ۱۵٪ می‌شود. در صورتی که مؤدی در بازه درآمد با نرخ کمتر از ۳۰٪ قرار گرفته باشد بابت مابه‌التفاوت نرخ تا ۳۰٪ از اعتبار مالیاتی برخوردار می‌شود که مالیات تعلق گرفته به سایر منابع درآمدی را کاهش می‌دهد [۴] و [۵]. این روش برای محاسبه مالیات سود تقسیمی پیچیده است و موجب سردرگمی مؤدیان مالیاتی می‌شود لذا قابل توصیه نیست.

۳-۴. فنلاند

در فنلاند درآمدهای خارجی افراد غیرمقیم (افراد که بیش از ۶ ماه به‌صورت پیوسته خارج از خاک این کشور باشند) از پرداخت مالیات معاف هستند، اما درآمدهایی که در فنلاند به‌دست می‌آید مشمول مالیات است. تمام درآمدهای افراد مقیم این کشور (چه منبع داخلی داشته باشند و چه منبع خارجی) مشمول مالیات قرار می‌گیرد. مقیم به کسی گفته می‌شود که بیش از ۶ ماه (۱۸۳ روز) در کشور حضور داشته باشد. درآمد خارجی و داخلی افراد مقیم تماماً مشمول مالیات است. الگوی نظام مالیاتی فنلاند از نوع دوگانه (Dual) است و بین درآمد ناشی از کار و درآمد ناشی از سرمایه تفاوت قائل می‌شود. برای درآمد ناشی از کار هزینه‌های قابل قبول اندکی وجود دارد. منابع درآمدی بسیار معدودی مانند بورس‌های تحصیلی معاف شمرده می‌شوند، اما سقف مشخصی برای آن در نظر گرفته شده است؛ در سال ۲۰۱۹ این مقدار ۲۰,۷۰۰ یورو در سال بوده است. برای افراد خویش‌فرما درآمد ناشی از سرمایه به میزان ۱۰ تا ۲۰ درصد ارزش اصل سرمایه در نظر گرفته می‌شود که با نرخ ۳۰ و ۳۴ درصد مشمول مالیات می‌شود. مابقی درآمد خوداشتغالی، درآمد ناشی از کار محسوب شده و طبق ساختار نرخ‌های صعودی مشمول مالیات می‌شود.

درآمد افراد از سود تقسیمی^۱ شرکت‌ها به‌صورت کامل مشمول مالیات است. ۱۵٪ سود تقسیمی شرکت‌های ثبت‌شده و مشخص که مالیات بر سود شرکت‌ها می‌پردازند مورد معافیت قرار می‌گیرد و از ۸۵ درصد باقی‌مانده مالیات اخذ می‌شود. نرخ مالیات بر درآمد ناشی از سرمایه (سود تقسیمی) تا ۳۰,۰۰۰ یورو ۳۰٪ و بیش از آن ۳۴٪ است. عایدی سرمایه مسکن شخصی در صورتی که بیش از دو سال نگهداری شود معاف از مالیات است. برای مزدبگیران هزینه سفر از خانه تا محل کار در صورتی که بیش از ۷۵۰ یورو باشد، تا سقف ۷۰۰۰ یورو هزینه قابل قبول تلقی می‌شود. همچنین حق بیمه‌های بیمه درمانی و بیکاری از هزینه‌های قابل قبول است و از درآمد مشمول مالیات کسر می‌شود [۵].

۴-۴. کره جنوبی

در کره جنوبی درآمدهای خارجی افراد غیرمقیم معاف از مالیات و درآمدهای داخلی آنان مشمول مالیات بر مجموع درآمد است. برای مالیات بر کشاورزی معافیتی وجود ندارد [۱۶]. درآمد مشمول مالیات افراد مزدبگیر علاوه بر دستمزد شامل موارد زیر است:

■ تمامی پرداخت‌ها برای هزینه‌های شخصی که از طرف کارفرما به کارگر پرداخت می‌شود و طبق قانون وظیفه کارفرما نیست مانند

1. Dividends

هزینه‌های مربوط به تفریح کارکنان،

■ تمام کمک‌هزینه‌های پرداختی از طرف کارفرما شامل کمک‌هزینه مسکن، خانواده، بهداشت و سلامتی، اضافه‌کاری و سایر پرداخت‌های مشابه،

■ حق بیمه پرداختی از طرف کارفرما به نمایندگی از کارگر [۵].

بخشودگی‌ها در کره به‌ازای تعداد اعضای خانواده تعیین می‌شود و بخشودگی بزرگسال و کودک تفاوتی ندارد، اما به‌ازای افراد معلول و سالخورده مبلغ اضافه تعیین می‌شود. بخشودگی به‌ازای هر فرد ۱,۵۰۰,۰۰۰ وون (واحد پولی کره جنوبی) است که ۱,۰۰۰,۰۰۰ وون به‌ازای هر فرد سالخورده و ۲,۰۰۰,۰۰۰ وون به‌ازای هر معلول به آن افزوده می‌شود [۱۲].

برای شاغلین هزینه‌های زیر به‌عنوان هزینه‌های قابل قبول شغلی در نظر گرفته شده و کسر می‌شود:

■ هزینه‌های خودرو تا سقف ۲۰۰,۰۰۰ وون در ماه در صورتی که فرد از خودروی شخصی برای مقاصد شغلی استفاده می‌کند،

■ کمک‌هزینه غذای کارگران تا سقف ۱۰۰,۰۰۰ وون در ماه،

■ هزینه لباس کارکنان در صورتی که قانون آنها را ملزم به پوشیدن لباس خاصی در زمان کار کرده باشد،

■ هزینه لباس کارگران در صورتی که فقط در محیط کاری پوشیده شود،

■ هزینه مهمانی و پذیرایی که هدف تجاری و شغلی داشته است،

■ مخارج آموزش کارکنان که از طرف کارفرما پرداخت می‌شود [۱۲] و [۵].

برای درآمد بازنشستگی هزینه‌های قابل قبول متناسب با سال‌های خدمت تعیین می‌شود.

هزینه‌های زیر برای همه مؤدیان از هزینه‌های قابل قبول تلقی می‌شود:

■ کل حق بیمه بازنشستگی پرداختی،

■ کل حق بیمه سلامت ملی،

■ پرداخت بابت بهره کارت‌های اعتباری با شرایط ویژه‌ای تا ۲۵٪ درآمد ناخالص [۱۲].

۴-۵. فرانسه

در قانون مالیاتی فرانسه درآمد اشخاص حقیقی شامل هر نوع دریافتی از منابع مختلف از جمله درآمد کشاورزی است و تبعیضی بین منابع مختلف درآمدی وجود ندارد [۱۶]. استفاده شخصی از خودروی شرکت، کمک‌هزینه تحصیلی و هزینه وعده‌های غذایی و هر نوع پرداختی از طرف کارفرما به کارگر مشمول مالیات است و هزینه‌های قابل قبول زیر از آن کسر می‌شود:

■ حق بیمه درمانی و بازنشستگی،

■ هزینه‌های رفت‌وآمد تا محل کار،

■ هزینه‌های مسکن.

درآمدهای زیر نیز مورد معافیت قرار می‌گیرد:

■ عایدی حاصل از فروش اوراق بهادار،

■ کمک‌هزینه خانواده و بازپرداخت هزینه‌های درمانی،

■ پرداختی‌های بیمه عمر (طبق یک سری شرایط مشخص) [۵].

۶-۴. ژاپن

تمام منابع درآمد از جمله درآمد کشاورزی در ژاپن مشمول مالیات هستند (OECD, ۲۰۲۰). در این کشور خودروهای شرکتی، کمک‌هزینه‌های پرداختی به فرزندان کارکنان و هر نوع مزایای پرداختی از طرف کارفرما جزء درآمد مشمول مالیات کارگران محاسبه می‌شود. هزینه رفت‌وآمد تا محل کار و کمک‌هزینه رفت‌وآمد به محل کار که توسط کارفرما پرداخت می‌شود از هزینه‌های قابل قبول تلقی می‌شود و از درآمد مشمول مالیات کسر می‌شود. همچنین مخارج آموزشی که در جهت ارتقای تکنولوژی و مرتبط با شغل باشد و کمک‌هزینه مسکن کارگران که توسط کارفرما پرداخت می‌شود. در صورتی که شرایط خاصی را احراز کند از هزینه‌های قابل قبول تلقی می‌شود [۵] و [۱۲].

هزینه قابل قبول پایه برای حقوق و دستمزد وجود دارد که به سطح درآمد وابسته است و طبق جدول خاصی محاسبه می‌شود. بخشی از مخارج درمانی و خسارات حوادث با فرمول خاصی مورد قبول قرار می‌گیرد. حق بیمه تأمین اجتماعی و بازنشستگی تا سقف ۴۰,۰۰۰ ین و حق بیمه‌های زلزله، تلفات حوادث و بیمه پرستاری تا سقف مشخصی از هزینه‌های قابل قبول است. هزینه قابل قبول دیگر پرداخت به دولت یا مقامات محلی بابت مؤسسات علمی و آموزشی یا مرتبط با سایر منافع عمومی است که سقف مشخصی برای آن در نظر گرفته شده است [۵] و [۱۲].

۷-۴. نروژ

درآمد افراد مقیم نروژ از هر جای دنیا به دست آمده باشد مشمول مالیات می‌شود. افراد غیرمقیم فقط بابت درآمدی که در نروژ به دست می‌آورند مالیات می‌پردازند. افرادی که در دوره ۱۲ ماه مجموعاً ۱۸۳ روز یا در دوره ۳۶ ماهه مجموعاً ۲۷۰ روز در این کشور حاضر باشند مقیم شمرده می‌شوند. برای افراد غیرمقیم ساختار نرخ‌های مجزایی وجود دارد. درآمد مشمول مالیات شامل حقوق و دستمزد، مزایای نقدی، حق امتیاز، مستمری بازنشستگی و درآمد خویش‌فرمایی می‌شود. معافیتی برای درآمد کشاورزی وجود ندارد [۱۶]. درآمد ناشی از سرمایه به صورت جداگانه با نرخ هموار ۲۲٪ مشمول مالیات است.

برای مالیات‌ستانی از درآمد خویش‌فرما (سود کسب‌وکار)، درآمد خویش‌فرمایان دارای سرمایه مشخص با درآمد اوراق قرضه بدون ریسک از محل همان مقدار سرمایه مقایسه می‌شود و تا آستانه درآمد اوراق بدون ریسک مورد بخشودگی قرار می‌گیرد و بالاتر از آن مشمول مالیات می‌شود. برای مثال فرض کنید مؤدی با سرمایه ۵۰۰,۰۰۰ کرون یک کسب‌وکار کوچک راه‌اندازی کند. اگر نرخ بهره بدون ریسک ۲٪ باشد، بهره‌ای که به ۵۰۰,۰۰۰ کرون تعلق می‌گیرد برابر با ۱۰,۰۰۰ کرون است؛ بنابراین سود کسب‌وکار این مؤدی تا ۱۰,۰۰۰ کرون مورد بخشودگی قرار می‌گیرد و مقدار اضافه بر آن به عنوان درآمد ناشی از کار مشمول مالیات می‌شود. به‌طور کلی در نروژ درآمد ناشی از سرمایه (عایدی سرمایه و سود تقسیمی) با نرخ هموار ۲۲٪ مشمول مالیات می‌شود. عایدی سرمایه در ضریب ۱,۴۴ ضرب شده لذا نرخ مؤثر مالیاتی به ۳۱,۶۸٪ می‌رسد. زیان سرمایه به‌مثابه هزینه قابل قبول برای سایر درآمدهای سرمایه در نظر گرفته می‌شود و تا ۱۰ سال قابل انتقال به سال بعد^۱ می‌باشد. برای مثال فردی که ۵ سال پیش ملکی را به قیمت ۱۰۰,۰۰۰ کرون خریداری کرده و امسال به قیمت ۸۰,۰۰۰ کرون فروخته و ۲۰,۰۰۰ کرون زیان کرده است می‌تواند از مجموع درآمد سرمایه خود ۲۰,۰۰۰ کرون کسر کند و اگر در سال جاری این مقدار درآمد سرمایه نداشت زیان سرمایه را به سال‌های بعد انتقال داده و از درآمد سرمایه مشمول مالیات سال‌های بعد (تا حداکثر ۱۰ سال بعد) کسر نماید [۵].

1. Carry Forward

سود تقسیمی تا میزان سرمایه‌گذاری بدون ریسک مورد بخشودگی قرار می‌گیرد و بیش از آن در ضریب ۱,۴۴ ضرب شده و سپس با نرخ ۲۲٪ مشمول مالیات می‌شود. با توجه به وجود ضریب ۱,۴۴، نرخ مؤثر مالیاتی ۳۱,۶۸٪ است. اگر سود تقسیمی یک سال کمتر از عایدی سپرده‌های بدون ریسک باشد مقدار مابه‌التفاوت قابلیت انتقال به سال بعد^۱ را دارد. برای مثال اگر عایدی اوراق بدون ریسک ۱۰,۰۰۰ کرون باشد، اما مؤدی ۷,۰۰۰ کرون سود تقسیمی دریافت کرده باشد، مابه‌التفاوت یعنی ۳,۰۰۰ کرون به سال بعد منتقل می‌شود و در نتیجه بخشودگی سود تقسیمی در سال بعد به ۱۳,۰۰۰ کرون می‌رسد [۵].

درآمد ناشی از کار مشمول دو نوع مالیات می‌شود: مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی با بیشترین نرخ ۱۶,۲٪ و مالیات تأمین اجتماعی با نرخ ۱۱,۴٪. یک هزینه قابل قبول استاندارد به میزان ۴۵٪ درآمد ناخالص با کف ۴,۰۰۰ کرون و سقف ۱۰۰,۸۰۰ کرون از درآمد مشمول مالیات کسر می‌شود. بخشودگی پایه ۱۷۴,۵۰۰ کرون است و درآمد مشمول مالیات بیش از ۱۷۴,۵۰۰ کرون با نرخ‌های تصاعدی ۱,۹٪، ۴,۲٪، ۱۳,۲٪ و ۱۶,۲٪ مشمول مالیات می‌شود [۵].

۴-۸. چین

انواع مزایای نقدی و غیرنقدی از درآمد مشمول مالیات شناسایی می‌شوند. درآمد ناشی از سرمایه با نرخ ۱۰٪ مشمول مالیات می‌شود. از دستمزد هر شخص مقیم ۳۵۰۰ یوآن و غیرمقیم ۴۸۰۰ یوآن به‌عنوان هزینه‌های قابل قبول زندگی کسر می‌شود. درآمد سرمایه بیش از ۸۰۰ یوآن مشمول مالیات می‌شود. پرداخت به خیریه‌ها با ضوابط خاصی از هزینه‌های قابل قبول در نظر گرفته می‌شود. مابقی درآمد در ساختار تصاعدی با نرخ ۳٪ تا ۴۵٪ مشمول مالیات می‌شود [۵].

۴-۹. آلمان

مالیات بر درآمد ناشی از سرمایه معمولاً در مبدأ اخذ شده و سایر درآمدها جمع شده و پس از کسر معافیت‌ها مشمول مالیات می‌شود. حقوق و دستمزد، درآمد خویش‌فرمایی از جمله کشاورزی و درآمد اجاره مشمول مالیات هستند و معافیتی برای آنها وضع نشده است. بخشودگی عمومی ۹,۶۱۲ یورو به‌ازای هر بزرگسال است و تا سقف ۷۶۲۰ یورو به‌ازای هر فرزند به آن افزوده می‌شود. اقلام زیر از هزینه‌های قابل قبول است:

- حق بیمه بازنشستگی اجباری،
- حق بیمه درمانی چه دولتی و چه خصوصی باشد،
- مخارج تحصیلات آموزش عالی مؤدی،
- ۳۰٪ مخارج مدارس خصوصی تا سقف ۵,۰۰۰ یورو،
- مالیات کلیسا،
- پرداخت به مؤسسات خیریه طبق شرایط خاص تا ۲۰٪ درآمد،
- مهریه پرداختی به همسر سابق با سقف معین،
- هزینه قابل قبول برای معلولین،
- هزینه رفت‌وآمد به محل کار [۱۲].

1. Ibid.

۵. هزینه‌های مرتبط با کسب و کار در نظام مالیات بر مجموع درآمد اشخاص حقیقی

یکی از دلایلی که برای فاصله گرفتن از تعریف هیگ-سایمونز مطرح می‌شود این است که بعضی مخارج از مصرف شخصی نیستند، بلکه هزینه‌های به‌دست آوردن درآمد هستند. تعریف جامع درآمد هیگ-سایمونز که درآمد را برابر با خالص افزایش دارایی‌های در دسترس به‌اضافه مصرف فرد در طول دوره زمانی تعریف می‌کند بر این موضوع دلالت دارد هزینه‌های قانونی کسب و کار باید از درآمد ناخالص فرد کسر شود. تعریف هزینه‌های قانونی دشواری‌هایی دارد. در مورد هزینه‌هایی چون هزینه خرید مواد اولیه، هزینه اجاره مغازه، هزینه دستمزد کارگر و هزینه تبلیغات شکی نیست که باید به‌طور کامل جزء هزینه‌های قابل قبول قرار بگیرد، چراکه کاملاً مرتبط با کسب و کار است، اما هزینه‌هایی مانند هزینه غذا که به مصارف شخصی شباهت دارند تا حدی بحث‌برانگیز است (گروبر، ۲۰۱۶، ۵۶۶-۵۶۴). در نظام مالیات بر درآمد، پایه مالیاتی درآمد خالص افراد است و باید هزینه‌های کسب و کار از درآمد ناخالص کسر شود. مسئله مهم در این بخش تشخیص انواع هزینه‌ها و جدا کردن هزینه‌های شخصی (که مشمول مالیات هستند) از هزینه‌های کسب و کار (که از هزینه‌های قابل قبول هستند) است [۱۳].

سهم هزینه‌های کسب و کار از درآمد ناخالص برای صاحبان مشاغل بسیار بیشتر از مزدبگیران است. خویش‌فرمایان با هزینه‌های کسب و کار بیشتری مواجه هستند و درآمد ناخالص آنها بسیار بیشتر از درآمد خالص آنهاست (درآمد خالص حاصل کسر کردن هزینه‌های کسب و کار از درآمد ناخالص است). در ادامه به برخی انواع هزینه‌های کسب و کار (که بحث‌برانگیزتر است) اشاره می‌کنیم:

۵-۱. رفت و آمد به محل کار

مسافرت‌های کاری، به مسافرت‌هایی گفته می‌شود که در آن یک فرد باید به‌طور متناوب مسافت نسبتاً طولانی برای رسیدن به محل کار خود طی کند. برای مثال یک مهندس نفت که در عسلویه کار می‌کند هر هفته به‌اندازه قیمت بلیت رفت و برگشت از تهران به عسلویه هزینه رفت و آمد می‌پردازد. حال اینکه این هزینه به‌عنوان هزینه کسب و کار در نظر گرفته شود یا شخصی محل بحث است. اولین استدلالی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که افراد آزادند محل زندگی خود را هر جا که می‌خواهند انتخاب کنند؛ لذا نباید هزینه‌های رفت و آمد به محل کار از هزینه‌های قابل قبول تلقی شود. دولت ایالات متحده با تکیه بر این استدلال هزینه‌های رفت و آمد به محل کار را کاملاً غیرقابل قبول در نظر می‌گیرد و اجازه کسر آن را از درآمد مشمول مالیات نمی‌دهد. در بسیاری از کشورهای اروپایی این استدلال مورد خدشه قرار گرفته و استدلال دیگری برای لزوم در نظر گرفتن هزینه‌های رفت و آمد به‌عنوان هزینه قابل قبول مطرح شده است. براساس این استدلال در موارد متعدد شرایط انتقال محل زندگی به نزدیکی محل کار وجود ندارد و افراد مجبورند در مکانی دور از محل کار خود زندگی کنند؛ بر این مبنا هزینه‌های رفت و آمد باید در جزء هزینه‌های قابل قبول لحاظ شود. کشورهای زیادی در اروپای قاره‌ای استدلال دوم را پذیرفته و بین افرادی که انتخاب محل زندگی‌شان ارادی نیست و افرادی که انتخاب محل زندگی‌شان کاملاً آزاد و ارادی است تفکیک قائل شده‌اند و هزینه رفت و آمد گروه اول را معاف و گروه دوم را مشمول مالیات می‌کنند. تفکیک این دو گروه ساده و کم‌هزینه نیست ضمن این که احتمال سوءاستفاده مؤدیان نیز وجود دارد.

برخی از دولت‌ها برای جلوگیری از سوءاستفاده افراد، سقف مشخصی برای هزینه‌های رفت و آمد در نظر می‌گیرند. برای مثال دولت آلمان براساس فاصله محل زندگی تا محل کار هزینه مشخصی را قابل قبول در نظر می‌گیرد و بالاتر از آن را مشمول مالیات قرار می‌دهد. فرانسه نیز قانونی را در این حوزه وضع کرده است که نباید محل کار از محل زندگی به‌صورت غیرعادی دور باشد. در سوئد،

مؤدی مجاز است هزینه حمل و نقل عمومی یا خودرو شخصی (به شرطی که روزانه حداقل دو ساعت در زمان رسیدن به محل کار صرفه‌جویی کند) را از درآمد ناخالص کسر کند. در هلند نیز هزینه حمل و نقل عمومی برای همه به‌عنوان هزینه قابل قبول در نظر گرفته می‌شود و از درآمد کسر می‌شود. در کنار آن مجوزهای خاصی برای هزینه‌های رفت و آمد با خودرو شخصی به کارفرمایان داده می‌شود و برای آن سقف مشخصی در نظر گرفته می‌شود [۱۳].

۲-۵. لباس‌های کاری

در برخی کشورها هزینه لباس چه برای کار استفاده شود و چه مصرف شخصی باشد از هزینه‌های قابل قبول به شمار نمی‌رود، اما در برخی کشورها هزینه لباس‌هایی که از لوازم کار شمرده می‌شوند به‌عنوان هزینه کسب و کار و در شمار هزینه‌های قابل قبول در نظر گرفته می‌شود. سایر لباس‌ها مصرف شخصی فرد هستند و مشمول مالیات می‌شوند. در کشورهای کانادا، فرانسه، آلمان و آمریکا تنها هزینه لباس فرم کارکنان که توسط کارفرما الزام می‌شود از هزینه‌های قابل قبول به شمار می‌رود و مخارج خرید سایر لباس‌ها از هزینه‌های قابل قبول نیست؛ حتی اگر لباس به شکلی باشد که خارج از فضای کسب و کار پوشیده نشود. در انگلیس برای مزدبگیران براساس نوع حرفه مبلغ مشخصی به‌عنوان هزینه قابل قبول در نظر گرفته می‌شود. برای مؤدیان خویش فرما نیز هزینه لباس‌های فرم متحدالشکل جزء هزینه‌های قابل قبول محسوب می‌شود [۱۳].

۳-۵. هزینه‌های نگهداری از کودکان

تصمیم به داشتن فرزند یک تصمیم شخصی و هزینه‌های نگهداری از فرزندان از مصارف شخصی است و در نظر گرفتن آن به‌عنوان هزینه کسب و کار متداول نیست، اما در سال‌های اخیر با افزایش ورود زنان به بازار کار کشورهای زیادی تصمیم به در نظر گرفتن اعتبار مالیاتی یا هزینه قابل قبول جزئی برای نگهداری از فرزندان گرفتند تا به این وسیله مشقت به دوش کشیدن هم‌زمان دو مسئولیت کار و فرزندداری را برای خانوارها تسکین دهند. برخی کشورها مقررات ویژه‌ای وضع کرده‌اند که با شرایط خاصی این هزینه‌ها را از هزینه قابل قبول مرتبط با کسب و کار در نظر می‌گیرد. هرگونه تلاش برای تفکیک هزینه‌های شخصی از هزینه‌های مرتبط با کسب و کار دشوار و هزینه‌آفرین است. در نظر گرفتن هزینه قابل قبول برای هزینه‌های نگهداری فرزندان دو هزینه به دولت تحمیل می‌کند: اولاً، به دلیل مضیق شدن پایه مالیاتی، درآمد مالیاتی دولت کاهش می‌یابد. ثانیاً، دولت برای شناسایی افراد مشمول متحمل هزینه اجرایی تفکیک مشمولین از غیرمشمولین می‌شود. در برخی کشورها خدمات رایگان یا ارزان قیمت نگهداری از فرزندان برای همه شهروندان فراهم شده و هزینه استفاده از مهدکودک‌های خصوصی در صورت اشتغال والدین جزء هزینه‌های قابل قبول برای خانوار شمرده شده و برای آن سقف مشخصی تعیین شده است. برای تصمیم‌گیری در مورد پذیرش هزینه‌های نگهداری از کودکان به‌عنوان هزینه‌های قابل قبول باید به وجود یا عدم وجود خدمات دولتی رایگان توجه و مقدار متناسب تعیین شود [۱۳].

۴-۵. سفرهای کاری

سفرهای کاری و آن دسته از وعده‌های غذایی که مرتبط با کسب و کار افراد باشند باید از هزینه‌های قابل قبول در نظر گرفته شود. برای مثال یک وکیل که برای شرکت در جلسه دادگاه به شهر دیگری سفر می‌کند یا پذیرایی ناهار در یک قرار کاری از هزینه‌های کسب و کار هستند. در آمریکا هزینه سفر و وعده‌های غذایی دور از منزل از هزینه‌های قابل قبول به شمار آمده است. کانادا نیمی از

این هزینه‌ها را از هزینه‌های قابل قبول در نظر می‌گیرد. در سوئد هزینه سفر و اقامت مرتبط با کسب و کار به صورت کامل به عنوان هزینه کسب و کار و در نتیجه قابل قبول شمرده می‌شود، اما هزینه وعده‌های غذایی فقط در صورتی پذیرفته می‌شود که اقامت یک شب یا بیشتر از آن باشد. در انگلیس، سفرهای کاری تنها باید با هدف کسب و کار انجام شود؛ در غیر این صورت این هزینه‌ها از هزینه‌های شخصی و غیر قابل قبول به شمار می‌رود. برای مثال دادگاه مالیاتی این کشور هزینه‌های سفر یک وکیل را از هزینه‌های کسب و کار لحاظ نکرد تنها به این خاطر که خود او اذعان کرد سفرش ابعاد اجتماعی و تفریحی نیز داشته است. در ایتالیا هزینه‌های سفر و وعده‌های غذایی برای کارآفرینان و خویش فرمایان تا سقف معینی از هزینه‌های قابل قبول در نظر گرفته می‌شود، ولی برای کارگران و کارمندان قابل قبول تلقی نمی‌شود [۱۳].

۶. وضعیت کنونی معافیت‌ها، هزینه‌های قابل قبول و بخشودگی‌ها در ایران

مالیات بر مجموع درآمد با بخشودگی‌ها و هزینه‌های قابل قبول متعدد در قوانین مالیاتی مصوب سال‌های ۱۳۲۲، ۱۳۴۵ و ۱۳۶۶ آمده است. در سال ۱۳۸۰ مالیات بر مجموع درآمد از قوانین حذف شده است.^۱ آخرین اصلاحات اساسی قانون مالیات‌های مستقیم در سال ۱۳۹۴ انجام شده و در آن بخشودگی‌ها و هزینه‌های قابل قبول متعددی برای مالیات بر حقوق و مالیات مشاغل تعیین شده است. در مالیات‌های مستقیم در ایران معافیت‌های بی‌مورد علاوه بر کاهش درآمد مالیاتی دولت و افزایش کسری بودجه، آثار نامطلوبی بر کارایی اقتصاد برجای گذاشته‌اند. همچنین معیار برابری افقی اقتضا می‌کند این معافیت‌ها تا حد ممکن حذف شود. طبق ماده (۸۴) قانون مالیات‌های مستقیم مصوب سال ۱۳۹۴ میزان معافیت (بخشودگی) مالیات بر حقوق و دستمزد در بودجه سنواتی تعیین می‌شود. تورم ساختاری و پایدار در اقتصاد ایران ایجاب می‌کند میزان معافیت هر ساله متناسب با تورم تعدیل شود، اما بهتر است به جای محول کردن این موضوع به قانون بودجه آن را متناسب با شاخص بهای سبد کالای مصرف‌کننده (CPI) تعدیل شود یا نسبتی از تولید سرانه ناخالص داخلی تعیین شود تا به صورت خودکار متناسب با تورم تعدیل شود. یا اینکه میزان افزایش بخشودگی سالیانه به میزان افزایش حقوق و دستمزد در بخش دولتی و خصوصی باشد. ماده (۸۵) نسبت به بُعد خانوار و تعداد شاغلین در خانواده بی‌تفاوت است. یک خانوار دارای دو شاغل نسبت به خانوار دیگری که دارای یک فرد شاغل است مالیات بیشتری پرداخت می‌کند، هر چند مجموع درآمد هر دو خانواده یکسان است. نکته مهم‌تر در نظام کنونی مالیات‌های مستقیم در ایران بی‌توجهی به تعداد اعضای خانوار است. در نظر گرفتن بخشودگی برابر برای خانوارهای با جمعیت نابرابر عادلانه نیست. برای افزایش رفاه عمومی به جای بخشودگی‌ها می‌توان از اعتبار مالیاتی برگشت‌پذیر استفاده کرد که آثار بازتوزیعی بیشتری دارد و با معیار برابری افقی و عمودی سازگار است. میزان اعتبار مالیاتی پایه می‌تواند به اندازه نیازهای اساسی خانوار یا خط فقر باشد تا فقر به صورت کامل از میان برود.

هزینه‌هایی که در اکثر کشورها به عنوان هزینه قابل قبول در نظر گرفته می‌شود شامل موارد زیر است:

- هزینه‌های مرتبط با کسب و کار مشاغل مانند هزینه‌های سفر کاری، رفت و آمد روزانه به محل کار و لباس کاری،
- هزینه‌های ضروری درمان (پرداخت از جیب) تا سقف مشخص،

۱. برای اطلاع از تاریخچه نظام مالیات بر مجموع درآمد در ایران به گزارش کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس با عنوان «مالیات بر مجموع درآمد ۲۰ تجربه تقنینی مالیات بر مجموع درآمد در ایران» با شماره مسلسل ۱۸۲۹۳ مراجعه نمایید.

■ وجوه دریافتی از بیمه بابت درمان و خسارات حوادث،

■ مخارج ناشی از خسارت حوادث مانند زلزله، سیل، آتش‌سوزی و ... تا سقف مشخص،

■ مخارج خیرخواهانه با نظارت و تأیید دولت.

برخی از موارد فوق در قوانین سابق وجود داشته، اما در اصلاحات بعدی حذف شده است و برخی کماکان در قانون مالیات‌های مستقیم وجود دارد. در بند «ط» ماده (۶) قانون مالیات بر درآمد مصوب سال ۱۳۲۲ کمک به بنگاه‌های خیریه از هزینه‌های قابل قبول شمرده شده و برای آن سقفی معادل ۱۰٪ عایدات شخصی تعیین شده است. این حکم در ماده (۱۷۲) قانون مالیات‌های مستقیم به این نحو آمده: «صددرصد وجوهی که به حساب‌های تعیین شده از طرف دولت به منظور بازسازی یا کمک و نظایر آن به صورت بلاعوض پرداخت می‌شود و همچنین وجوه پرداختی یا تخصیصی و یا کمک‌های غیرنقدی بلاعوض اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی جهت تعمیر، تجهیز، احداث و یا تکمیل مدارس، دانشگاه‌ها، مراکز آموزش عالی و مراکز بهداشتی و درمانی و یا اردوگاه‌های تربیتی و آسایشگاه‌ها و مراکز بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی (ره) و جمعیت هلال احمر و کتابخانه و مراکز فرهنگی و هنری (دولتی) طبق ضوابطی که توسط وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و امور اقتصادی و دارایی تعیین می‌شود از درآمد مشمول مالیات عملکرد سال پرداخت منبعی که مؤدی انتخاب خواهد کرد قابل کسر می‌باشد». بنابراین کمک به مراکز خاص هزینه قابل قبول برای اشخاص حقیقی و حقوقی لحاظ می‌شود. همچنین معافیت هزینه‌های درمانی، حق بیمه درمانی و هزینه سفرهای شغلی کماکان در قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۹۴ مواد (۹۱ و ۱۳۷) وجود دارد. فهرست هزینه‌های قابل قبول کسب و کارهای حقیقی و حقوقی نیز در ماده (۱۴۸) قانون مالیات‌های مستقیم آمده است [۲].

۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

براساس تعریف جامع هیگ-سایمونز اصل بر عدم وجود معافیت، بخشودگی و هزینه‌های قابل قبول در مالیات‌ستانی از درآمد است، اما استدلال‌های دیگری سیاستگذار را به وضع بخشودگی‌ها و هزینه‌های قابل قبول سوق می‌دهد. مهم‌ترین این استدلال‌ها اصل توان پرداخت، معیار برابری افقی و هزینه-فایده استفاده از مخارج مستقیم دولت یا مخارج مالیاتی برای عرضه کالاهای عمومی است که به اختصار به هر یک از آنها اشاره می‌کنیم:

مخارج مربوط به نیازهای ضروری خانوار از مواردی است که نباید مشمول مالیات قرار بگیرد. در نگاه حداکثری، دولت ملزم به فراهم کردن ضروریات زندگی برای همه است و در نگاه حداقلی دولت نباید با مالیات‌ستانی در رفع نیازهای حیاتی خانوار خللی وارد کند. هزینه برطرف کردن نیازهای ضروری خانوار با بُعد خانوار رابطه مستقیم دارد. خانوارهای پرجمعیت هزینه بیشتری برای تأمین نیازهای ضروری خود می‌پردازند بر همین اساس بخشودگی پایه به میزان سبد کالای نیازهای ضروری و متناسب با بُعد خانوار تعیین و از درآمد کسر می‌شود.

در نظام مالیاتی کنونی کشور ما بخشودگی سالیانه مالیات بر حقوق و دستمزد با بُعد خانوار رابطه‌ای نداشته و برای همه مؤدیان یکسان در نظر گرفته می‌شود. این مسئله باعث می‌شود خانوارهایی با مجموع درآمد یکسان که یکی دارای دو یا چند شاغل است از دو یا چند بخشودگی استفاده کنند، اما خانوارهای دارای یک شاغل از یک بخشودگی استفاده کنند و مالیات بیشتری بپردازند. مبنای دیگری که براساس آن برخی معافیت‌ها و هزینه‌های قابل قبول وضع می‌شود معیار برابری افقی است. معیار برابری افقی

به معنای برخورد برابر با افراد دارای شرایط برابر است که در نظام مالیاتی با اخذ مالیات یکسان از افراد با توان پرداخت یکسان تعریف می‌شود. دو خانوار دارای توان پرداخت برابر باید در نهایت بدهی مالیاتی یکسانی داشته باشند و گرنه معیار برابری افقی رعایت نشده است. بر همین اساس در نظر گرفتن هزینه‌های درمانی ضروری و خسارات حوادثی چون سیل و زلزله به عنوان هزینه قابل قبول منطقی به نظر می‌رسد، چراکه این دو از عوامل کاهش توان پرداخت هستند و با وجود آنها هر چند درآمد خالص خانوار زیاد باشد، توان پرداخت کم است. با بروز حادثه‌ای چون زلزله، بخشی از سبد مصرف خانوار به جبران خسارت حادثه تعلق گرفته، لذا توان پرداخت کاهش یافته است. از این رو بدهی مالیاتی مؤدیانی که دچار چنین حوادثی شده‌اند باید کاهش پیدا کند.

مخارج مالیاتی به معنای چشم‌پوشی دولت از درآمد مالیاتی بالقوه است که مهم‌ترین اشکال آن عبارتند از: معافیت‌ها، بخشودگی‌ها، هزینه‌های قابل قبول و اعتبارات مالیاتی. دولت می‌تواند با در نظر گرفتن برخی مخارج به عنوان هزینه قابل قبول، مالیات قابل پرداخت مؤدیان را کاهش دهد و از این طریق مردم را به تولید کالاهای عمومی و عام‌المنفعه تشویق کند. برای مثال اگر دولت مخارج ساخت مدارس را به عنوان هزینه قابل قبول خیرین مدرسه‌ساز بپذیرد، مؤدیان برای کاهش بدهی مالیاتی خود به مشارکت در ساخت مدرسه اقدام می‌کنند و مالیات کمتری می‌پردازند. دولت از یک درآمد مالیاتی بالقوه چشم‌پوشی کرده، اما به‌ازای آن یک مدرسه ساخته شده است که مخارج مستقیم ساخت آن برای دولت بسیار بیشتر از مخارج مالیاتی (درآمد مالیاتی که دولت از آن چشم‌پوشی کرده) است. در موارد زیادی استفاده از هزینه‌های قابل قبول برای ساخت مدرسه، مسجد، بیمارستان و ... برای دولت به صرفه است. زیرا این گونه مخارج مالیاتی کمتر از ساخت مستقیم آن برای دولت هزینه دارد و از این طریق دولت می‌تواند با تشویق بخش خصوصی به تهیه کالاهای عمومی و عام‌المنفعه این کالاها را با هزینه تمام‌شده کمتری فراهم کند. در مثال مدرسه، در صورتی که ساخت مدرسه ۵۰ میلیارد تومان هزینه داشته باشد و نرخ مالیات ۱۰٪ باشد، اگر دولت تصمیم بگیرد با استفاده از مخارج مستقیم دولتی این مدرسه را احداث نماید باید ۵۰ میلیارد هزینه کند، اما اگر دولت از مخارج غیرمستقیم (مخارج مالیاتی) استفاده کند، با چشم‌پوشی از درآمد مالیاتی ۵ میلیارد تومانی می‌تواند هدف خود یعنی ساخت مدرسه را محقق نماید. البته لازم است که منظور جلوگیری از سوءاستفاده و فرار مالیاتی آن فعالیت عام‌المنفعه شفاف، قابل مشاهده و اندازه‌گیری باشد. همچنین آن پروژه توسط مردم قابل اجرا باشد و سپردن آن به مردم صرفه اقتصادی داشته باشد.

از دیگر هزینه‌های قابل قبول هزینه‌های کسب‌وکار می‌باشد که گاهی به عنوان درآمد و مصرف شخصی تلقی شده و افراد را در معرض مالیات‌های سنگین قرار می‌دهد. علت اصلی این اشتباه خلط بین درآمد و سود کسب‌وکار است و در صورتی که مخارج شخصی از مخارج مرتبط با کسب‌وکار تفکیک شود این مشکل برطرف می‌شود. برخی مخارج کسب‌وکار مانند هزینه خرید مواد اولیه، هزینه کارگر، اجاره مغازه و ... بدون شک جزء مخارج شغلی و لذا جزء هزینه‌های قابل قبول کسب‌وکار قرار می‌گیرد، اما برخی مخارج شغلی به مصرف شخصی شباهت داشته لذا محل تردید و سؤال واقع شده است. از مهم‌ترین مخارج مرتبط با کسب‌وکار که در معرض تردید و شک واقع شده می‌توان به هزینه رفت‌وآمد به محل کار، هزینه لباس‌های کاری، هزینه سفرهای کاری و هزینه نگهداری از کودکان و سالمندان اشاره کرد.



۱. قانون مالیات بر درآمد مصوب ۱۹ آبان ۱۳۲۲.
۲. قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۳ اسفند ۱۳۶۶ و اصلاحات آن در ۷ اردیبهشت ۱۳۷۱، ۲۷ بهمن ۱۳۸۰ و ۳۱ تیر ۱۳۹۴.
3. Boissel, Charles, and Adrien Matray. 2022. "Dividend Taxes and the Allocation of Capital." *American Economic Review*, 112 (9): 2884-2920.
4. Etax (2022). What are franked dividends and how do franking credits work?. Retrieved from www.etax.com.au
5. EY (2018). *Worldwide Personal Tax and Immigration Guide*. London: EY.
6. Gruber, Jonathan (۲۰۱۹). *Public Finance and Public Policy*. New York: Worth Publishers, A Macmillan Higher Education Company.
7. Gruber, Jonathan (2016). *Public Finance and Public Policy*. New York: Worth Publishers, A Macmillan Higher Education Company.
8. Hagenaars, A. J. M., de Vos, K. and Zaidi, A. (1994). *Poverty Statistics in the Late 1980s: Research Based on Micro-Data*. Luxembourg: Office for Official Publications of the European Communities.
9. Haig, Robert M. (ed.). (1921). *The Federal Income Tax*. New York, NY: Columbia University Press.
10. IRS (2019). *The Internal Revenue Service*. WWW.IRS.GOV
11. Hindriks, Jean; Myles, Gareth D. (2013). *Intermediate Public Economics*. 2nd ed. Cambridge, MA: MIT Press.
12. KPMG (2019). *Income tax information provided by KPMG*. Retrieved from www.home.kpmg
13. Marian, Omri; Avi-Yonah, Reuven; Sartori, Nicola (2010). *Global perspectives on income taxation law*. Oxford University Press.
14. OECD. (1982). *OECD list of social indicators*. Paris: OECD Publications and Information Center.
15. OECD (2006). *Fundamental Reform of Personal Income Tax*. OECD Tax Policy Studies, No. 13, Paris: OECD Publishing.
16. OECD (2020), *Taxation in Agriculture*, OECD Publishing, Paris, <https://doi.org/10.1787/073bdf99-en>
17. STIGLITZ, JOSEPH E.; ROSENGARD, JAY K. (2015). *ECONOMICS OF THE PUBLIC SECTOR*. New York: W. W. Norton and Company, Inc.
18. Simons, Henry C. (1938). *Personal Income Taxation: The Definition of Income as a Problem of Fiscal Policy*. Chicago, IL: University of Chicago Press.
19. Urban-Brookings Tax Policy Center. *Microsimulation Model, version 2* .



گزیده سیاستی

یکی از محورهای تصمیم‌گیری در طراحی مالیات بر مجموع درآمد طراحی هزینه‌های قابل قبول و معافیت پایه مالیاتی است. معافیت پایه و هزینه‌های قابل قبول باید با در نظر گرفتن قید بودجه دولت، در جهت تامین خانوارها و با توجه به تعداد اعضای خانوار تعیین شود.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir